

نشر سامان

رشد جوانان ۱۴

فصل نامه سامان بخشی کتاب‌های آموزشی
وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



دفتر انتشارات کمک آموزشی

مدیر مسئول: علیرضا حاجیان زاده
سرمدیبران: محمدعلی شامانی / سید امیر رون
مدیر داخلی: محمدحسین معتمدراد
ویراستار: بهروز راستانی
مدیر هنری: فریبرز سیامک نژاد
طراح جلد و گرافیک متن: عبدالحمید سیامک نژاد
سال انتشار: بهار ۱۳۸۵
شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴
وزارت آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۳۰۶۰۷۱
آدرس اینترنتی: www.samanketab.com
پست الکترونیکی: info@samanketab.com

دورنما: ۸۸۳۰۱۴۷۸

www.samanketab.com
[Email:info@samanketab.com](mailto:info@samanketab.com)

فهرست

فراخوان ارسال مقاله و یادداشت

۴



راهنمای تهیه مقالات

۵

سرمقاله (کتاب: فرصت یادگیری برای همه ی عمر)

۶

محمد علی شامانی



داشته ها و آرمان ها (میزگرد کتاب های آموزشی با تأکید بر تعمیق یادگیری خلاق)

۷



محمدحسین معتمدراد

رسالت کتاب های آموزشی (فرازهایی از بیانات مدیران ستادی و استانی در نشست نقد و بررسی نشریات آموزشی - ۳۰ آبان ۱۳۸۴)

۱۷

فاطمه جدادی

دغدغه های فرهنگی در جشنواره

۲۲



چکیده ی یافته های حاصل از نظرسنجی پنجمین جشنواره کتاب های آموزشی رشد (آبان ماه ۸۴)

۳۰

سید امیررون



حلقه ی گمشده ی تئوری و عمل (میزگرد رویکردهای نوین در تولید کتاب های آموزشی فنی و حرفه ای)

۳۸

بهشید ملاصالحی





أَلْعَلِمُ حِجَابٌ مِنَ الْأَفَاتِ .

دانش ، انسان را از بلاها حفظ می کند .

(غررالحکم و ذرر الکلم، دانشگاه تهران، ج ۱ - ص ۱۸۸ - ش ۷۲۰)

تحلیل محتوای پنج عنوان از کتاب‌های درسی دوره ی متوسطه در ارتباط با شرایط بهره گیری از روش‌های خلاق تدریس در فرایند یاددهی - یادگیری



محمد حسین مهدیان

حسین پیریانی

راهنمادهایی برای خلاصه نمودن متن

احمد غلامحسینی



چکیده ی یافته های یک پژوهش

منظر ترکمان پری



نظرخواهی از خوانندگان

فصل نامه «رشد جوانه» با هدف برقراری ارتباط مناسب‌تر با «ناشران و نویسندگان آموزشی»، در زمینه مباحث مربوطه به تولید کتاب‌های آموزشی مناسب در کشور و بررسی تحولات و پیشرفت‌های علمی جهان، پا به عرصه وجود گذاشت. گام‌های تازه‌ی ما به این مقصود است که بتوانیم از طریق پدیدآورندگان، در راستای تحقق هدف‌های آموزش و پرورش به صورت مستمر و پویا، کیفیت تولید کتاب‌های آموزشی را ارتقا بخشیم. از این‌رو، از اندیشمندان و صاحب‌نظران دلسوز نظام آموزش و پرورش، طلب آن داریم آنچه که بازگفتش را برای شکوفایی نظام تولید کتاب‌های آموزشی کشور لازم می‌دانند، با ما در میان بگذارند. منتظر نوشته‌ها، پیشنهادها و انتقادهای شما هستیم.

یادداشت ارسال مقاله فراخوان

فصل نامه آموزشی تحلیلی پژوهشی «جوانه»، از کلیه صاحب نظران، نویسندگان و پدیدآورندگان کتاب های آموزشی و اندیشمندان علاقه مند به مباحث تولید کتاب های آموزشی دعوت می کند، مقالات و یادداشت های خود را با توجه به راهنمای تهیه مقاله تحت موضوعات زیر، برای دبیرخانه سامان بخشی کتاب های آموزشی ارسال دارند:

۱. مطالعات تطبیقی (تجربیات سایر کشورها در تولید کتاب های آموزشی)
۲. کاربرد انواع فناوری اطلاعات و ارتباطات در تولید کتاب های آموزشی
۳. تبیین ویژگی ها و استانداردهای کتاب های آموزشی
۴. معرفی توصیفی کتاب های آموزشی مناسب و برتر
۵. معرفی نشریات، منابع علمی و بانک اطلاعات کتاب های آموزشی داخل و خارج از کشور
۶. آسیب شناسی تولید کتاب های آموزشی مناسب
۷. نیازسنجی آموزشی
۸. مخاطب شناسی
۹. معرفی طرح سامان بخشی کتاب های آموزشی و مؤسسه های انتشاراتی موفق
۱۰. تبیین روش های نوین خودیادگیری و خودارزشیابی
۱۱. مدیریت و مشارکت در تولید کتاب های آموزشی
۱۲. تبیین راهبردهای برنامه ریزی، تولید و ارزشیابی کتاب های آموزشی
۱۳. دورنما و چشم اندازهای آینده تولید کتاب های آموزشی
۱۴. تبیین اصول، رویکردها، اهداف نوین حاکم بر تولید کتاب های آموزشی مناسب



راهنمای تهیه مقالات

نشریه آموزشی، تحلیلی و پژوهشی «رشد جوانه» با هدف اطلاع‌رسانی، اشاعه یافته‌های علمی و ایده‌های نو و تبادل نظر و تجربه بین صاحب‌نظران در زمینه مباحث مربوط به فرایند تولید کتاب‌های آموزشی مناسب منتشر می‌شود تا از این طریق، پدیدآورندگان در راستای تحقق هدف‌های آموزش و پرورش، به صورت مستمر و پویا بر غنای دانش تجربه حرفه‌ای خود بیفزایند و با به کارگیری بهینه ظرفیت‌های موجود، کیفیت تولید کتاب‌های آموزشی را ارتقاء بخشند.

راهنمای تهیه مقاله

از استادان، صاحب‌نظران و اندیشمندان محترم عرصه کتاب‌های آموزشی که به منظور همراهی با این فصل‌نامه، مقاله‌های خود را برای انتشار در «رشد جوانه» ارسال می‌دارند تقاضا می‌شود، نکات زیر را رعایت فرمایند:

- حجم مطالب از ۸ صفحه تایپ شده و ۱۳ صفحه دست‌نویس تجاوز نکند.
- مقاله حاوی مقدمه‌ای کوتاه، سابقه موضوع، نتیجه و جمع‌بندی موضوع باشد.
- نسخه اصلی مقاله ارسال شود.
- مقاله ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی همراه آن ارسال شود. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- مقاله در مجله یا نشریه دیگری به چاپ نرسیده باشد.
- محل قرار دادن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها، در متن مشخص شود.
- «جوانه» در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است و از عودت مقاله نیز معذور می‌باشد.
- آرای مندرج در «جوانه» ضرورتاً مبین رأی و نظر «دبیرخانه سامان بخشی کتاب‌های آموزشی» نیست. بنابراین، مسؤولیت پاسخگویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.

- اطلاعات کتابداری مورد استفاده برای تدوین مقاله، به ترتیب زیر تنظیم شود:
الف) در مورد کتاب‌ها: نام نویسنده، نام کتاب یا مقاله، نام مترجم (اگر مقاله یا کتاب ترجمه باشد)، نام ناشر، محل نشر، سال نشر، شماره صفحه.
- ب) در مورد نشریه:** نام نویسنده، نام مقاله، نام مترجم، (اگر مقاله ترجمه باشد)، نام مجله یا نشریه، شماره مجله، سال نشر، شماره صفحه.
- مقاله را به ضمیمه نام و نام خانوادگی نگارنده یا مترجم، درجه علمی یا سمت، آدرس محل کار یا سکونت و شماره تلفن، به آدرس زیر ارسال فرمایید:

تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ وزارت آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸
دفتر انتشارات کمک آموزشی، فصل‌نامه «رشد جوانه»



تعلیم و تربیت نسلی دین‌باور، پاینده به ارزش‌های اصیل انقلاب اسلامی، و نسلی اندیشمند و توانا، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه‌نگر است؛ برنامه‌ای که فرصت‌های برابر را به ویژه در زمینه‌ی تعلیم و تربیت برای همگان فراهم سازد. چگونگی دستیابی به این فرصت‌ها باید برای تمام نسل‌ها و در تمام عصرها برنامه‌ریزی شود، تا بتوانیم «یادگیری مادام‌العمر» را که پیام فرستاده‌ی برگزیده‌ی خداست، لباس عمل پوشانیم. توزیع عادلانه‌ی امکانات آموزشی و زمینه‌سازی برای دسترسی همگان به آن‌ها، امری است که باید مورد توجه جدی مدیران قرار گیرد.

با این دیدگاه، موقعیت و نقش کتاب آموزشی برای تحقق هدف‌های متعالی «سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور» و به تبع آن، نظام آموزش و پرورش، و حفظ هویت ملی و فرهنگی اقتضای کند که برای تولید این آثار، پژوهش، برنامه‌ریزی و نظارتی دقیق و همه‌جانبه انجام گیرد و با خردمندی و رعایت اصول علمی، برنامه‌ی آموزشی و درسی از ساختار و محتوای منطقی، جذاب و ثمربخش برخوردار شود؛ به نحوی که قابلیت‌های لازم برای پاسخگویی به گستره‌ی پر تنوع استعدادها و مهارت‌های ذهنی، عملی و نگرشی دانش‌آموزان و معلمان را دارا باشد و فرصت خودیادگیری و ایفای نقش مؤثر و فعال برای آن‌ها را در جامعه اسلامی مان فراهم آورد.

از این رو لازم است، با اتخاذ روش‌های مناسب برای برنامه‌ریزی، هدایت، نظارت و جلب مشارکت کلیه‌ی افراد مرتبط، براساس خط مشی‌های زیر اقدام کنیم:

الف) تبیین معیارها و استانداردهای تولید کتاب‌های آموزشی، متناسب و مرتبط با نیازها و انتظارات ملی، منطقه‌ای و بومی نظام آموزش و پرورش کشور.

ب) آسیب‌شناسی و شناخت مشکلات و موانع موجود بر سر راه انتشار کتاب‌های آموزشی مناسب، اهتمام به رفع آن‌ها، ارائه‌ی راهبردهای لازم در این زمینه.

ج) پشتیبانی و تقدیر از پدیدآورندگان (ناشران و نویسندگان) که در جهت تسهیل شرایط یادگیری اثربخش و تحقق هدف‌های برنامه‌های آموزشی و درسی آموزش و پرورش می‌کوشند.

د) مطالعه و اتخاذ تمهیدات زیرساختی توسعه‌ی تولید کتاب‌های آموزشی مناسب، شامل شبکه‌ی اطلاع‌رسانی، قوانین و منابع لازم (نیروی انسانی، اطلاعات، بودجه و تجهیزات).

هـ) فراهم آوردن امکان تبادل نظر و انتقال تجربه‌ها میان پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی بخش خصوصی و سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و کارشناسان بخش دولتی.

و) جلب همکاری و مشارکت مؤسسه‌ها، ناشران، انجمن‌ها و کانون‌های علمی و فرهنگی، و معلمان مؤلف در تولید کتاب‌های آموزشی مناسب برای دانش‌آموزان و معلمان.

گرچه تلاش‌های صورت گرفته در راستای تولید کتاب‌های مناسب آموزشی، تلاشی قابل تقدیر بوده و هست، اما در دنیای امروز که «تولید دانش» حرف اول بقا در جامعه‌ی جهانی را می‌زند، باید بیش‌تر تلاش کرد!

با چند تألیفی می‌توان برای خلاقیت، فضا ایجاد کرد.

داشته‌ها و آرمان‌ها

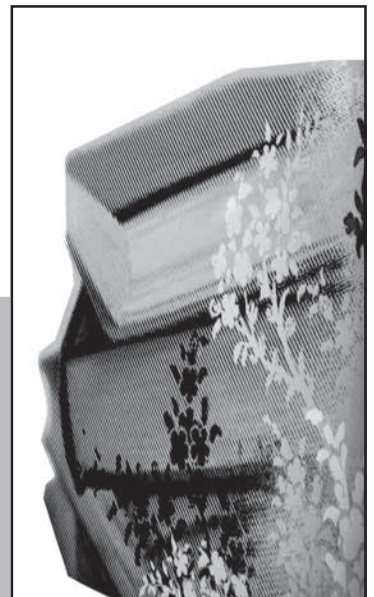
(میزگرد کتاب‌های آموزشی با تأکید بر تعمیق یادگیری خلاق)

محمدحسین معتمدزاد

اشاره

توجه به خلاقیت و نیز رویکردهایی نوینی که در آفرینشگر شدن ذهن دانش‌آموزان می‌تواند تأثیرگذار باشد، از جمله مباحث جدی و پر دامنه در تربیت دانش‌آموزان است. خلاقیت چیست؟ راه‌های بروز خلاقیت و توسعه‌ی آن در مدرسه‌های ایران کدامند؟ کشور‌های توسعه‌یافته در این زمینه چه دستاوردهایی داشته‌اند؟ تجربه‌های معلمان و مدرسان مادر مدرسه‌های کشور، تا چه اندازه قابل اتکا و تعمیم هستند؟ و نیز، برخی پرسش‌های دیگر در باره‌ی سیستم موجود آموزش و پرورش و کتاب‌های درسی و کمک‌درسی و نسبت آن‌ها با خلاقیت، از جمله مباحثی بودند که در «میزگرد کتاب‌های آموزشی با تأکید بر تعمیق یادگیری خلاق»، در ۲۹ آبان و هم‌زمان با هفته‌ی کتاب، در پنجمین جشنواره‌ی کتاب‌های کمک‌آموزشی در «تالار حرکت»، مورد نقد و بررسی کارشناسان حاضر قرار گرفتند. در این میزگرد، علاوه بر دبیر جشنواره، تنی چند از صاحب‌نظران و کارشناسان کتاب‌های آموزشی که بیاناتی ارائه نموده‌اند نیز به این شرح می‌باشند:

۱. **شامانی**، معاون دفتر انتشارات کمک‌آموزشی
 ۲. **جاریانی**، معاون دفتر برنامه‌ریزی تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای
 ۳. **کریمی**، صاحب‌نظر در حوزه‌ی نشر کتاب‌های آموزشی
 ۴. **سالم**، کارشناس آموزشی
 ۵. **صادقیان**، کارشناس برنامه‌ریزی درسی
 ۶. **مازوچی**، صاحب‌نظر در حوزه‌ی انتشار کتاب آموزشی
 ۷. **نیکپور**، کارشناس برنامه‌ریزی درسی
 ۸. **رضائی**، سردبیر مجله‌ی رشد دانش‌آموز
 ۹. **شجری**، صاحب‌نظر در حوزه‌ی نشر کتاب‌های آموزشی
- در ادامه، مشروح مذاکرات این میزگرد را می‌خوانید.



■ شامانی: خداوند را به خاطر تمام الطاف بی کرانش سپاس می‌گوییم و از او مدد می‌خواهیم که با این گفت و شنودها بتوانیم، فضای تازه‌ای ایجاد و برای دانش‌آموزان، تولیدات مناسبی را فراهم

کنیم تا با آرامش بیش‌تری وارد دنیای دانایی شوند. هر کشوری که بخواهد در جغرافیای سیاسی امروز دنیا مطرح باشد، باید برای تربیت انسان‌های فرهیخته تلاش فراوانی به خرج دهد. امروزه، کسانی می‌توانند در جغرافیای دانایی مطرح باشند که به

تولید دانش دست بزنند و مصرف‌کنندگان صرف دانش نباشند. اگر ما بتوانیم نسل حاضر را به گونه‌ای هدایت کنیم که به تولید دانش دست یازند و حرف تازه‌ای در دنیای امروز داشته باشند، یقیناً در جغرافیای فرهنگی و سیاسی و حتی اقتصادی جهان مطرح خواهیم بود. در حال حاضر، زیرساخت‌های اقتصاد براساس دانایی شکل می‌گیرند.

امروز، بچه‌های ما با کتاب‌هایی روبه‌رو هستند که گاهی آن‌ها را خسته می‌کنند و به جلو نمی‌برند. موجب دل‌مردگی می‌شوند و نشاط کافی ندارند. در قالب‌های از پیش تعیین شده، حرف‌های طبقه‌بندی شده‌ای به خورد آن‌ها می‌دهند.

بحث امروز ما در این زمینه است که آیا می‌توانیم به کتاب‌هایی از این جنس نگاه تازه‌ای داشته باشیم یا خیر. آیا می‌توانیم در کتاب‌های آموزشی خود حرفی از یادگیری خلاق بزنیم یا خیر؟ و آیا می‌توان به غیر از

مواد درسی، نگاهی به کتاب‌های آموزش خلاق کرد؟ یا خیر، بدون برنامه‌ریزی خلاق نمی‌توان به کتاب‌های آموزشی دست پیدا کرد؟ این‌ها حرف‌هایی هستند که می‌خواهیم امروز با هم مرور کنیم و مشتاق هستیم تا همه‌ی کارشناسان و حاضران، در این بحث

شرکت کنند و به کمک شما به این بحث نگاه تازه‌ای داشته باشیم.

■ دکتر شجری: در یک نگاه کلی، یادگیری خلاق به معنی درک کامل و خلاقانه، به خاطر سپاری پایدار، بازیابی کامل داده‌ها و تولید خلاق داده‌هاست؛ یعنی چهار محور اصلی که در بحث یادگیری مطرح هستند و براساس آن‌ها، یادگیری خلاق تعریف می‌شود. متأسفانه، نظام آموزشی ما بر مبنای شکل گرفته است که بحث تولید خلاق داده‌ها در آن جایی ندارد؛ مگر این که مطالعه‌کننده خود به این وادی وارد شود.

کلمه‌ی امتحان و شب امتحان، خود نشانگر این موضوع است که نظام آموزشی

متأسفانه، نظام آموزشی ما بر مبنای شکل گرفته است که بحث تولید خلاق داده‌ها در آن جایی ندارد؛ مگر این که مطالعه‌کننده خود به این وادی وارد شود.

دانش آموز و دانشجو باید هر لحظه برای امتحان دادن آمادگی داشته باشد. اصلاً نباید روزی برای امتحان اعلام شود. این یکی از اصول مطالعه‌ی مستمر است. یعنی دانش آموز باید متنی را که در اختیار دارد، دائماً مطالعه کند تا همیشه برای پاسخگویی آمادگی صد در صد داشته باشد. اگر دانش آموزی نمی‌تواند از بیست نمره بیست بگیرد، در ضریب هوشی او بحثی نیست، این مشکل به شیوه‌ی مطالعه‌ی او مربوط می‌شود. اگر ما این شیوه را تغییر دهیم و کتاب‌هایی براساس اصول یادگیری خلاق ارائه کنیم، آن وقت خواهیم دید که همه از بیست نمره، بیست خواهند گرفت. اولین بار هم می‌توانیم روی خود آزمایش کنیم و ببینیم که اگر ما براساس یادگیری خلاق متنی را مطالعه کنیم، آیا امکان پاسخگویی کامل به همه‌ی سؤالات را داریم یا نه. آیا به نقطه‌ای می‌رسیم که احساس کنیم، اگر مفاهیم A و B را از متن مورد مطالعه دریافت کردیم، مفهوم C را خود می‌توانیم استنباط و تولید کنیم؟ اگر دیدیم می‌رسیم، پس دانش آموز و دانشجوی ما هم خواهند رسید.

ما چه قدر در سطح پائینی قرار دارد. البته نه تنها در کشور ما، بلکه در سطح جهان این بحث مطرح است؛ زیرا کل جهان بر این اصول استوار است. یعنی آموزشی می‌دهند، زمانی را برای امتحان در نظر می‌گیرند و می‌خواهند افراد به سؤالات از پیش تعیین شده پاسخ دهند. اما ما باید در ابتدا به دانش آموز و دانشجو اعلام کنیم، کم‌ترین کاری که یک مطالعه‌کننده انجام می‌دهد، این است که بتواند به تمام سؤالاتی که از متن مورد مطالعه طرح می‌شوند، پاسخ دهد. این کم‌ترین کاری است که دانش آموزان باید انجام دهند؛ اما این کار را هم نمی‌توانند انجام دهند. اگر نمره را به عنوان یکی از ملاک‌های سنجش در نظر بگیریم، می‌بینیم که در سطح پائینی نمره می‌آورند و بیش از ۱۵ درصد بودجه‌ی آموزشی و فضای ما، به دانش آموزان و دانشجویانی که رد می‌شوند، اختصاص پیدا می‌کند، و دوباره باید به آن‌ها امکاناتی اختصاص داد تا بتوانند آن درس را بگذرانند.



اکنون وضع آموزش ما چگونه است؟ وضع کتابخانه‌ی مدرسه‌های ما چگونه است؟ چرا بچه‌های ما به کتاب خواندن علاقه‌ای ندارند؟ آیا در این زمینه اشکال اساسی دارند؟ آیا با بچه‌های دیگر دنیا متفاوت هستند؟

خلاقیت وقتی است که کودک، در جایگاهی که قرار دارد، خود دست به تجربه بزند و ایده‌ی جدیدی ارائه دهد. من خلاقیت را شامل حال افراد به خصوصی نمی‌بینم. همه‌ی بچه‌ها می‌توانند در حد خود خلاق باشند. مهم این است که فضای آموزشی را بر یک فضای شاد و همراه با نیازهای بچه تغییر دهیم.

عکس کلاس اول امروز با عکس صد سال پیش کلاس‌های فرانسه مطابقت می‌کند؛ یعنی ما تغییر نکرده‌ایم. هنوز معلم ما تخته و گچ دارد. بچه‌های اول و دوم دبستانمان را که سرشار از انرژی و حرکت هستند، پشت نیمکت می‌نشانیم و می‌گوییم جُم نخور و حرکت نکن. وقتی حرکت جسمی از بچه گرفته شود، حرکت ذهنی هم از او سلب می‌شود. شما ببینید

اگر در کشور ما نرخ مطالعه پائین است، به علت مشکلات نظام آموزشی ماست. دانشجو می‌بیند، نسبت به زمانی که به مطالعه اختصاص داده است، نمی‌تواند پاسخگو باشد. کم‌کم انگیزه‌ی خود را از دست می‌دهد و فقط مجبور به مطالعه‌ی کتاب‌های درسی می‌شود. وقتی می‌گوییم نرخ مطالعه پائین است، اثرات سوء آن متوجه همه می‌شود. یعنی شما باید بار کسانی را هم که مطالعه نکرده‌اند، به دوش بکشید. چه باید انجام داد تا علاقه‌مندی به مطالعه ایجاد شود؟ یعنی چگونه بخوانیم که با یک بار خواندن، بتوانیم مطلب را فرا بگیریم، تأکید یادگیری خلاق هم بر همین است. ما نباید برای فراگیری یک متن دو دفعه آن را بخوانیم؛ چون نیازی نیست.

■ کریمی: بزرگ‌ترین مشکل نظام ما همان نمره‌ی بیستی است که از آن نام برده شد. من متأسف می‌شوم وقتی تلویزیون را روشن می‌کنم و گوینده از کودک می‌پرسد: معدل تو چند است؟ ببینید، اندیشه‌ی خلاق با روش‌های موجود حاصل نمی‌شود. اما



یک کلاس دبستان در کشور مالزی چگونه است. من با کشورهای مثل کانادا، آمریکا و کشورهای اروپایی کار ندارم، شما مالزی را ببینید. اصلاً متوجه نمی‌شوید که این جا کلاس درس است. بچه‌ها تعامل و حرکت دارند و هر گروه به علاقه‌مندی‌های خود می‌پردازد. ابتدای خلاقیت این جاست.

اگر کلاس فعال باشد، کتاب‌هایی در کتابخانه داشته باشیم که اشتیاق کودکان را برای یاد گرفتن و مطالعه برانگیزند، و معلمی داشته باشیم که ته

انگیزشی را به بهانه‌های گوناگون در دانش‌آموزان به وجود آورد، موفق شده‌ایم. بیایید نمره را کنار بگذاریم و فرض کنیم، بچه‌ها همه قبول می‌شوند. این ناراحتی ذهنی نمره را از بچه دور کنید. آموزش، زندگی است؛ در کلاس زندگی کنیم و از بیرون مطلب بیاوریم. اگر با این دید جدید به این مفاهیم نگاه کنیم، خلاقیت بروز می‌کند.

■ **شامانی:** یادمان باشد، پشتوانه‌ی دانش آدم‌ها، تجربه زیسته‌ی آدم‌هاست. ما امروزه اجازه‌ی تجربه نمی‌دهیم. یادمان باشد، اگر بگوییم کتاب، معلم یا مدرسه خلاق نیستند، یعنی گناه را گردن یکی از این‌ها بیندازیم، جواب نمی‌گیریم. این‌ها

همه باید در کنار هم قرار بگیرند. حالا بیاییم به این موضوع پردازیم که کتاب خلاق باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد. من روی شکل کتاب هم حرف برای گفتن دارم. آیا کتاب‌های ما می‌توانند شکل‌های تازه‌تری داشته

باشند؟ به هر دو جنبه‌ی شکل و محتوا پردازیم؛ از شکل که می‌تواند نوآوری داشته باشد، تا مفهوم که ممکن است سازمان‌دهنی فرد را دگرگون کند. من در کلاس، برای درس انشا به بچه‌ها می‌گفتم، هر کس چهل جمله‌ی بی‌ربط بنویسد، و هرچه

جمله‌ها، بی‌ربط‌تر باشند، نمره‌ی بیش‌تری می‌دهم. واژگانی را بچه‌ها خلق کردند که هنوز هم از زبان هیچ بزرگی نشنیده‌ام. ما باید این فرصت‌ها را در اختیار کودکان بگذاریم. بعضی از کتاب‌های ما بوی کهنگی می‌دهند. چه کنیم تا کتاب‌هایمان آن قدر به ما نشاط بدهند که همه به وجد بیاییم؟

■ **سالم:** خلاقیت با حرف تحقق نمی‌یابد، باید در عمل اتفاق بیفتد. ما تمام تئوری‌های آموزشی دنیا را می‌خوانیم و دوباره آن‌ها را تعریف می‌کنیم. می‌گوییم به ویژگی فردی کودک باید اهمیت داد، اما فقط می‌گوییم و ایده نمی‌گیریم. ما تاکنون به آنچه که در فرهنگ خود داریم، نگاه

وقتی می‌گوییم نرخ مطالعه پائین است، اثرات سوء آن متوجه همه می‌شود. یعنی شما باید بار کسانی را هم که مطالعه نکرده‌اند، به دوش بکشید.

نکرده‌ایم. کلاس‌ها و کتاب‌های مابقی روح و زندگی هستند، چون خود ما این‌گونه هستیم. من نمی‌خواهم حکم بدهم، اما می‌خواهم بگویم خلاقانه رفتار نمی‌کنیم. ■ **صادقیان:** موضوع بحث ما خلاقیت

مواد آموزشی در نظام رسمی آموزش و پرورش است. اگر خلاقیت را مثل بقیه‌ی مهارت‌ها، مانند برقراری ارتباط اجتماعی، تفکر کردن و... در نظر بگیریم، آن وقت می‌شود گفت که با آن چه باید کرد. به نظر می‌رسد که باید به متولیان این امر، راهکار

پیشنهاد کنیم. من به چند نکته اشاره می‌کنم:

اول، تا زمانی که نظام آموزش رسمی ما، رسماً درباره‌ی انتظارات و استانداردهای این موضوع بحث نکند، جاری شدن خلاقیت به صورت فراگیر در آموزش و پرورش امکانپذیر نخواهد بود. وزارت آموزش و پرورش به عنوان متولی این امر، ابتدا باید تکلیف خود را با این موضوع روشن کند و بگوید، راجع به خلاقیت چگونه می‌اندیشد.

دوم، محدوده و ابعاد خلاقیت کاملاً باید مشخص شود و این که مدرسه‌ها تا کجا حق پیشروی در این بحث را دارند. در هیچ جای دنیا، بحث خلاقیت رها شده نیست

و موضوعی تعریف شده و حساب شده است.

سوم، جایگاه خلاقیت در مواد آموزشی است که خیلی اهمیت دارد. ما باید بپذیریم ایران کشوری است که بنا به دلایلی، مواد آموزشی در آن غنی است. بنابراین خلاقیت باید در مواد درسی خودنمایی کند.

■ **جاریانی:** وقتی شما می‌خواهید برنامه‌ی درسی خلاقانه طراحی کنید، باید محتوا، زمان، مکان و فضا همه خلاقانه باشند. اما نظام آموزشی ما به شدت تحت تأثیر کنکور

است. صدمات کنکور همچنان ادامه خواهد داشت، مگر این که کار جدیدی انجام شود. این مشکل تا آن جا پیش رفته که بعضی از ناشران، حتی در دوره‌ی آموزشی ابتدایی هم وارد عمل شده‌اند. یعنی در کتاب‌های ابتدایی تست چهار جوابی می‌دهند. والدین هم از این که فرزندانشان تست می‌زنند، بسیار لذت می‌برند. یعنی خلاقیت را در زندانی در بسته گذاشته‌اند که به هیچ عنوان نمی‌تواند شکوفا شود.

این مسأله به برنامه‌ریزی درسی برمی‌گردد. کتاب‌های آموزشی را طوری می‌نویسند که خلاقیتی در آن‌ها وجود ندارد. مدرسه‌های خوب آن‌هایی هستند

**خلاقیت وقتی است
که کودک، در
جایگاهی که قرار
دارد، خود دست به
تجربه‌بزند و ایده‌ی
جدیدی ارائه دهد.**

که برای اتمام کتاب، کلاس فوق العاده بگذارند. کتاب‌هایی هم که بیرون تألیف می‌شوند، به سمت و سوی کنکور تمایل دارند. یادم می‌آید که در زمان ما، درس‌های خوش‌نویسی، کاردستی و موسیقی داشتیم که حالا حذف شده‌اند. یعنی درس‌های خلاقانه را حذف می‌کنند. به دانش‌آموز می‌گویند باید همه‌ی مطالب را حفظ کنی و مغز او را پر از محفوظات کرده‌اند؛ به طوری که فارغ‌التحصیلان دانشگاه، از انجام کوچک‌ترین کارهای خود عاجز هستند. کسانی که فارغ‌التحصیل اتومکانیک هستند، ماشین خود را به تعمیرگاه می‌سپارند. یعنی گرچه می‌توانند چندین مدل انتگرال بگیرند، اما نمی‌توانند پلاتین ماشین خود را تنظیم کنند؛ به این علت که فقط به حفظ کردن ریاضیات بسنده کرده‌اند.

در مدرسه‌های ما هم همین‌طور است. ما تحمل بچه‌هایی را که شیطنت می‌کنند، نداریم. بهترین دانش‌آموز کسی است که در طول هشت ساعت حضور در مدرسه، جیک نزند تا بگویند، نمره‌ی انضباط این دانش‌آموز بیست است. با این تفاسیر کسی نمی‌تواند کار خلاقانه انجام

دهد. این ایراد به بخش فرهنگ کشور وارد است و باید سریعاً فرهنگ‌سازی شود. کشور ما به علت این که فرهنگ‌سازی نکرده، به شدت دچار مشکل شده است. اول فرهنگ خلاقیت وارد شود و بعد برنامه‌ریزی کنیم.

در نظام جدید، درسی به نام آموخته‌های خارج از مدرسه طراحی شده بود که درسی اختیاری محسوب می‌شد و کسانی که می‌خواستند دیپلم بگیرند، آن را انتخاب می‌کردند. بسیار هم متنوع بود و حدود ۳۰ جلد کتاب با موضوعات گوناگون مثل گلکاری، لوله‌کشی، تعمیر تلویزیون را شامل می‌شد. آن‌قدر مدرسه‌ها به این درس بی‌توجهی کردند که منسوخ شد. خود سیستم و بدنه تحمل کارهای خلاقانه را ندارد. تا زمانی که این ساختار دگرگون نشود، در بحث خلاقیت موفق نخواهیم بود.

■ **مازوحی:** یادم می‌آید در دوره‌ی راهنمایی که بودم، تلویزیون برنامه‌ای از مرحوم نیرزاده را نشان می‌داد که دروس پایه اول دبستان را با تخته و عصای خود درس می‌داد. این نمونه‌ی یک کار خلاق است. من فکر می‌کنم، باید بحث را روی آنچه



که در این جا گفته شد، متمرکز کنیم. کتاب‌های آموزشی را در چارچوب نظام آموزش و پرورش باید در نظر گرفت. در کشورهای شرق، با فرمول و عدد و در کشورهای غرب با آچار سروکار دارند.

همان‌طور که قبلاً مطرح شد، فردی مهندس است که نمی‌تواند چیزی را تعمیر کند. فردی پزشک است که نمی‌تواند آمپول بزند و می‌گوید خانم پرستار شما بزن. من فقط بلدم بنویسم و کار دیگری بلد نیستم. بیایم ببینیم، در غرب چه می‌کنند که

پرورش یافتگان‌شان می‌توانند کار انجام بدهند. آنچه که در کشور ما ذهنی جا افتاده، در کشورهای دیگر کاربردی است؛ آن هم نه هر کاربردی، بلکه کاربرد براساس اولویت‌های کشورشان.

اگر کتاب‌های علوم راهنمایی پاکستان را در ۲۰ ساله گذشته نگاه کنید، می‌بینید که به بچه «غنی‌سازی اورانیوم» را درس می‌دهند. در حالی که ما یک کلمه «کیک زرد» می‌شنویم و نمی‌دانیم که آن را باید از شیرینی فروشی بخریم یا از بقالی و اصلاً نمی‌دانیم چیست. اصلاً چرا به آن کیک یا زرد می‌گویند؟ یعنی آن‌ها فرهنگ‌سازی می‌کنند. اما فراتر از فرهنگ‌سازی، ما باید بدانیم چگونه کتاب را بنویسیم و چگونه آن

را بخوانیم و از آن استفاده کنیم. دیدگاه من این است که کلاس، درس زندگی می‌دهد. یعنی فرد، همان‌طور که در جامعه با دوستان و خانواده‌اش زندگی می‌کند، باید در کلاس هم زندگی کند.

کلاس زندان نیست. و برای این کار باید علاقه‌آفرینی کرد. کنکور مشکل ثانویه است. مشکل اصلی، دنیای اطلاعات و داده‌هاست. ما این ارزش را برای خود قائل نیستیم که استنتاج کنیم. به جای فکر کردن، به آدمی تبدیل می‌شویم که حفظ می‌کند. بعد هم با

همان محفوظات خود امتحان می‌دهیم که یک نمونه‌ی آن کنکور است.

■ نیکپور: ما ناخودآگاه بچه‌ها را به تقلید وا می‌داریم. مادران هنگام نقاشی به فرزندشان می‌گویند که چگونه بکشد. اگر بچه‌ای برای مثال در نقاشی خود خورشید را کج کشیده باشد، مادر قلم را از دست او می‌گیرد و خورشید را برایش درست می‌کند. در مدرسه، مدیران هم همین کار را با معلمان انجام می‌دهند و مدیران آن‌ها هم با آن‌ها. در این شرایط، چه فضایی برای خلاقیت باقی می‌ماند؟ آموزش و پرورش ما خلاق نبوده و نتوانسته است، مثلاً یک پزشک را در جایگاهی که بتواند چیزی را خلق کند، قرار دهد. امروز

یک تألیفی ما را به جایی نمی‌رساند، باید چند تألیف داشته باشیم. با چند کتابی می‌توان برای خلاقیت فضا ایجاد کرد.

ما افرادی را می‌بینیم که در جایگاهی غیر از رشته‌های تحصیلی خود حضور دارند. این نشان می‌دهد که ما از اول افراد را درست هدایت نکرده ایم.

■ رضایی: ما اگر بگوییم همه چیز مشکل دارد و بخواهیم همه‌ی مشکلات با هم درست شوند، هیچ وقت این اتفاق نخواهد افتاد. باید کار را از جایی شروع کنیم. می‌توانیم فرض کنیم، نظام آموزشی ما بسته است و آن را کنار بگذاریم. معلم را هم کنار بگذاریم. اما کتاب‌های آموزشی غیررسمی و بیرون از نظام رسمی را چه کنیم؟ محیط و معلم باید خلاق باشند، ولی ما قادر به حل همه‌ی این موارد با هم نیستیم.

اگر هدف را این طور در نظر بگیریم که بگوییم، سهم کتاب‌های آموزشی غیررسمی مثلاً پنج درصد است، و ما همین پنج درصد را خلاق کنیم، تأثیر خود را خواهد گذاشت. این کتاب‌ها باید به صورت اتوماتیک دانش آموز را جلو ببرند و خلاقیت او را آشکار کنند. دانش آموز بعد از خواندن چنین کتابی احساس می‌کند که آن را خوب یاد گرفته و لذت برده است. در عین حال، یادگیری او به شکلی نبوده است که مجبور به حفظ کردن مفاهیم

باشد. لذتی که فرد از خواندن این کتاب می‌برد، باعث مراجعه‌ی مجدد وی به آن می‌شود.

بیاییم بحث را محدود کنیم. اگر با نظام بسته نمی‌توانیم کاری انجام دهیم، قسمت غیررسمی به دست خود ماست. ناشر می‌تواند، آن طور که می‌خواهد کتاب را منتشر کند. کسانی که متولی این کار نشده‌اند، باید بتوانند نمونه‌ی کتاب‌هایی خلاق جهان را در اختیار بگیرند و مطالعه کنند. همین امر سبب می‌شود که جرعه‌ای در ذهن آن‌ها برای تولید کتاب‌های خلاق زده شود.

■ صادقان: آیا کسی می‌داند که بچه‌ها در دوره‌ی ابتدایی موظف به یادگیری چند مفهوم هستند؟ من چند پیشنهاد دارم: اول، برنامه‌ی درسی بچه‌ها را خلوت کنیم تا آن‌ها بتوانند، نفس بکشند و فکر کنند. دوم، یک تألیفی ما را به جایی نمی‌رساند، باید چند تألیف داشته باشیم. با چند کتابی می‌توان برای خلاقیت فضا ایجاد کرد. سوم، باید برای مراکز آموزشی فضای کار به وجود آورد و معلمان ما مجری صرف برنامه‌ی آموزش و پرورش نباشند. منظورم این است که برنامه‌های معلمان خلوت



شود. برای مثال، اگر معلمی ۲۸ ساعت موظف به کارآموزشی است، آن را ۲۰ ساعت کنیم و به او هم حق دخالت در برنامه‌ی درسی بدهیم. چهارم، موادی کمکی با رویکرد خلاقیت تولید شود تا مراکز در فضای خالی خود از آن‌ها استفاده کنند.

■ کریمی: با خلاقیت می‌توانیم دو نوع برخورد کنیم: اول، برخورد اختصاصی، یعنی چگونه می‌توان خلاقیت بچه‌ها را افزایش داد. یعنی فرد مطالعه کند که این مطالعه می‌تواند براساس یافته‌های بیولوژیک و یا روان‌شناسی باشد. دوم، چگونه خلاقیت در نظام آموزش و پرورش ما وارد شود که کتاب، معلم، فضای آموزشی و... از عناصر آن هستند. اگر ما معلم خلاق داشته باشیم، کلاس در ابعاد گوناگون، خلاق عمل می‌کند. این موضوع مستلزم آن است که اجازه‌ی خلاقیت به او داده شود.

جمع‌بندی

«خیر! با نظام ارزشیابی کنونی، جایی برای یادگیری خلاق وجود ندارد.» این پاسخ نهایی صاحب‌نظران و کارشناسان شرکت‌کننده در این میزگرد، به پرسش درباره‌ی امکان تحقیق یادگیری خلاق توسط دانش‌آموزان است. آنان چنین عواملی را مخل یادگیری خلاق می‌دانند: خلاصه شدن ارزشیابی در نمره‌ی امتحان، پاسخگو نبودن زمانی که به مطالعه

اختصاص می‌یابد، فقدان امکانات لازم برای آن‌که فراگیران خود دست به تجربه بزنند و ایده‌ی جدید ارائه دهند، فقدان تعامل و حرکت از سوی دانش‌آموزان در کلاس درس، بی‌روح بودن کلاس‌ها و کتاب‌های درسی، روشن نبودن انتظارات از خلاقیت و مشخص نبودن استانداردهای آن، تحت تأثیر «کنکور» بودن نظام آموزشی، فقدان قابلیت‌های لازم در نظام آموزشی برای تحمل کارهای خلاقانه، و واداشتن کودکان به تقلید و حفظ کردن.

اماره برون رفت، گذشته از تغییر نظام ارزشیابی، چیست؟
- تدوین کتاب‌هایی براساس اصول یادگیری خلاق؛

- ایجاد کلاس‌های فعال؛
- فرهنگ‌سازی برای خلاقیت و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن؛
- جاری کردن زندگی در کلاس‌های درس؛

- اختصاص سهمی (پنج درصد) از کتاب‌های آموزش غیررسمی به آموزش خلاق؛

- کاهش حجم برنامه‌های درسی؛
- روی آوردن به چند تألیفی برای ایجاد فضای خلاقیت؛
- تولید مواد کمک آموزشی با رویکرد خلاقیت؛

- پرورش معلمان خلاق.
و سرانجام این پیشنهاد و سوسه‌کننده که: «بیاید نمره را کنار بگذاریم!»

معلم باید در تولید، مشارکت داشته باشد؛ نه فقط آموزش دهنده‌ی مطالبی باشد که از پیش برای او طراحی و برنامه‌ریزی شده است.

رسالت کتابهای آموزشی شبی



فرازهایی از بیانات مدیران ستادی و استانی در نشست

نقد و بررسی نشریات آموزشی - ۳۰ آبان ۱۳۸۴

فاطمه حدادی

اشاره

در گردهمایی مدیران ستادی و استانی که در ۳۰ آبان سال جاری در سالن اجتماعات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار شد، مدیران ستادی از داشته‌ها گفتند و آنچه که تاکنون سازمان در راستای تأمین منابع مکتوب مورد نیاز دانش‌آموزان و معلمان به انجام رسانده است، و مدیران استانی از کمبودها گفتند و آنچه که باید فراهم آید.

بحث انگیزترین موضوع این نشست، تأثیر کنکور سراسری بر جریان آموزش رسمی در مدرسه‌ها و ضرورت تغییر نظام ارزشیابی بود. حجم زیاد مطالب کتاب درسی، مشارکت معلمان و دانش‌آموزان در تولید مواد درسی، تأمین معیشت معلمان، پرداختن به فناوری اطلاعات در دوره‌های آموزش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی و توزیع رایگان مجلات رشد در مناطق محروم، از جمله مطالب مورد بحث در این گردهمایی بودند. در این جا، به علت طولانی بودن گفت‌وگوها و به منظور رعایت اختصار، به ذکر فرازهایی از بیانات حاضران در این نشست اکتفا کرده‌ایم:

کودکان را به هر طریقی با مطالعه مأنوس کنیم، قطعاً در درس های رسمی آن ها هم تأثیر می گذارد. یکی از هدف های فوق برنامه ای که ما داریم، نفس مأنوس کردن بچه ها با مطالعه و ترویج فرهنگ مطالعه است. شاید در کتاب های درسی، ظرفیت بالایی برای آن که به همه ی خواسته های خودمان برسیم، وجود نداشته باشد. اصلاً یکی از علت های وجود کتاب کمک درسی این است که ظرفیت کتاب درسی و ظرفیت ساعات آموزشی محدود است و ما در این ظرفیت محدود، فقط تا مقدار معینی می توانیم هدف هایمان را دنبال کنیم. ما باید از ظرفیت های دیگر و از ظرفیت های فوق برنامه هم برای تقویت هرچه بیش تر تقویت دینی و ملی کودکان کمک بگیریم و استفاده کنیم که این هم یکی از هدف های فوق برنامه است. و بالاخره، در ارتباط با رشد استعدادها، ابتکار عمل و خلاقیت دانش آموزان،

اسامی مدیرانی که به ایراد سخنرانی پرداختند به این قرار است:

- مهندس مهدی نوید، رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
- علیرضا حاجیان زاده، مدیر کل دفتر انتشارات کمک آموزشی
- علی زرافشان، از سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
- فاروق داوودپور، از سازمان آموزش و پرورش همدان
- سید بهزاد علوی، از سازمان آموزش و پرورش خوزستان
- رحمان جهانی، از سازمان آموزش و پرورش قزوین
- غلامرضا حاجی نژاد، از سازمان آموزش و پرورش بوشهر
- عباس زمانی، از سازمان آموزش و پرورش ایلام

حاجیان زاده: بسیاری از بچه ها اصلاً حوصله ی مطالعه کردن ندارند و با مطالعه مأنوس نیستند. ما اگر بتوانیم



علاوه بر کتاب درسی، ما باید امکانات متنوع و متکثری در اختیار کودکان قرار دهیم تا این استعدادها بتوانند از راه‌های گوناگون و با مطالعات مختلف رشد پیدا کنند و ابتکار و خلاقیت بچه‌ها جلوه‌گر شود. این‌ها هدف‌های ما در تولیداتمان هستند.

یکی از علت‌های وجود کتاب کمک درسی این است که ظرفیت کتاب درسی و ظرفیت ساعات آموزشی محدود است.

سیاست‌گذاری و تشویق، آثار آنان را ارزیابی و چاپ کند و به کل کشور بشناساند. الان خلایی که ما بیش‌تر احساس می‌کنیم، در مورد دانش‌آموزان روستایی است. دانش‌آموز روستایی خیلی تشنه‌ی کتاب است. امکان

دستیابی به اطلاعات اینترنتی، در شهر وجود دارد و برای روستایی مقدر نیست. متأسفانه، امکانات چاپی جدید هم در اختیارش قرار نمی‌گیرد. باید تدبیری برای دانش‌آموزان روستایی بیندیشیم که چگونه تولیدات آموزشی به دست آن‌ها برسد.

علوی: من چند نکته را در ارتباط با موانعی که حجم کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزانمان ایجاد کرده است، عرض می‌کنم. مهم‌ترین مانع این است که مهارت‌های زندگی در مدرسه اتفاق نمی‌افتد، مدرسه یک جامعه‌ی کوچک است، ولی دانش‌آموز آنچه را که در جامعه‌ی واقعی با آن روبه‌رو می‌شود، به ندرت در مدرسه مشاهده می‌کند. نظام آموزشی ما و حجم کتاب‌های درسی و

نویید: امروز مدیران و کارشناسان ما به طور جدی باور دارند که معلم باید در تولید، مشارکت داشته باشند؛ نه فقط آموزش‌دهنده‌ی مطالبی باشد که از پیش برای او طراحی و برنامه‌ریزی شده است. با وجود همه‌ی فایده‌ها و نکات مثبتی که در کتاب‌های درسی وجود دارد، اما این کتاب‌ها به تنهایی کافی نیستند. شرط لازم هستند، اما شرط کافی نیستند و ما نیاز داریم، دانش‌آموزان کتاب‌های درسی، کمک درسی و کمک آموزشی را هم بخوانند.

داوودپور: آموزش و پرورش باید هم بچه‌ها و هم معلمان را درگیر تولید کند و با



فقط کتاب را تا پایان سال تمام کند. به علاوه، حجم کتاب های درسی مانع اصلی تحقیق و پژوهش برای دانش آموزان است. الان در دوره ی آموزش متوسطه، دبیر نمی تواند وقتی را به پژوهش یا تحقیق دانش آموزان یا بازدیدهای علمی اختصاص دهد. در یک کلام، دانش آموز باید از حضور در مدرسه لذت ببرد، ولی حجم زیاد کتاب های درسی اضطراب را چنان در دانش آموز شدت می دهد که ما لذتی را در دانش آموز شاهد نیستیم.

جهانی: نظام ارزشیابی در مدرسه ی ما هنوز بر مبنای نمره و محفوظات است. هر کسی بهتر حفظ کند، بهتر نمره می گیرد. نظام ارزشیابی باید عوض شود.

حاجی نژاد: یادم می آید، دانش آموز که بودم معلمان ما می گفتند، کتاب های کمک های آموزشی نخریم. الان هم

کمک درسی، مانع اصلی کتاب خوانی دانش آموزان در مدرسه است. دانش آموز دبیرستانی سیزده عنوان کتاب دارد که هر عنوان آن هم حداقل دو کتاب کمک درسی نیاز دارد. سی و نه کتاب را اگر مجالی برای مطالعه ی کتاب کمک درسی یا مجله نخواهد داشت. از چنین دانش آموزی، فقط می توانیم انتظار یک سلسله محفوظات را داشته باشیم، نه تربیت جسمی خودش، و نه کسب مهارت هایی که مورد نیاز هر جوانی است. حجم زیاد کتاب های درسی، به ندرت فرصتی را برای تعامل دانش آموز و معلم باقی می گذارد. بیش از این که محتوای درس مهم باشد، روش تدریس مهم است. چون روش تدریس بار تربیتی دارد و در واقع معرفت را به دانش آموز منتقل می کند. ولی باز هم حجم زیاد کتاب ها باعث می شود که معلم بکوشد،



معلمان می‌گویند، ولی عملاً تولیدکنندگان کتاب‌های مذکور موفق بوده‌اند. به نظر من، باید کمیته‌ای در وزارتخانه تشکیل شود و این مسأله را تحلیل کند.

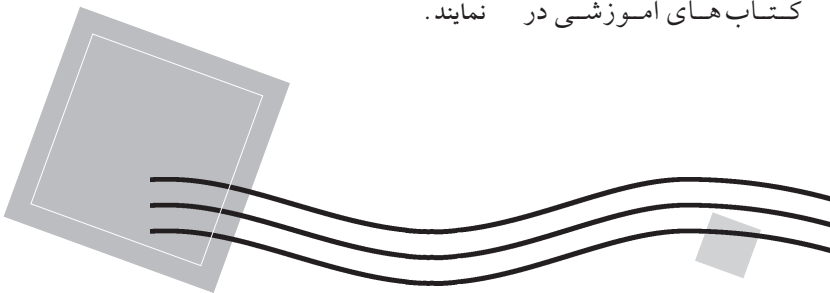
زمانی: در بحث تألیف کتاب‌های درسی، در انتخاب افراد آن‌طور که برای کنکور می‌گویند، آقا بهترین دبیر و بهترین استاد را انتخاب کنید که مبدا گزینه‌ای اشکال داشته باشد، حساسیت وجود ندارد.

زرافشان: وجود کتاب‌های آموزشی، یا به تعبیری کتاب‌های کمک آموزشی در فضای تعلیم و تربیت کشور ما ناشی از چیست؟ دو دیدگاه در این زمینه مطرح است: یکی دیدگاهی که وجود کتاب‌های کمک آموزشی را ناشی از نقص و ضعف نظام آموزش و پرورش رسمی می‌داند. به تعبیر یکی از دوستان، این کتاب‌ها می‌کوشند، خلاهای کتاب‌های درسی را پر کنند، یا به تعبیر یکی دیگر از دوستان، کاستی‌های موجود در کتاب درسی را پوشش دهند. دیدگاه دیگر این است که اصولاً وجود کتاب‌های آموزشی در

همه‌ی نظام‌های آموزش و پرورش دنیا یک ضرورت است.

در نظام آموزش و پرورش، همان‌طور که کتاب درسی تعریف می‌شود و به عنوان ابزار، وسیله و بخشی از شکل‌دهنده‌ی فرایند یاددهی یادگیری هویت، تعریف، و شخصیت مستقل دارد، کتاب‌های کمک آموزشی هم باید جایگاه ویژه‌ی خودشان را داشته باشند. گاهی اوقات در مطبوعات هم این‌گونه مطرح می‌شود که این همه کتاب کمک آموزشی در بازار نشاندهنده‌ی ضعف، کاستی و نقص کتاب‌های درسی است. در حالی که اگر این‌گونه بود، در نظام‌های آموزش و پرورش که ما آن‌ها را پیشرو و موفق می‌شناسیم، کتاب کمک آموزشی وجود نداشت. در حالی که اتفاقاً هرچه نظام‌های آموزش و پرورش قوی‌تر می‌شوند، مجموعه‌های کمک آموزشی آن‌ها گسترش و تنوع بیش‌تری پیدا می‌کنند. علتش همین مأموریت و رسالتی است که کتاب‌های کمک آموزشی مستقلاً بر عهده دارند.

علاقه‌مندان به مطالعه کامل بیانات این نشست می‌توانند با دفتر فصل‌نامه تماس حاصل نمایند.



«رشد جوانه»، در راستای سامان بخشی به وضعیت موجود کتاب های آموزشی، هرگونه نقدی را در این زمینه با کمال میل می پذیرد؛ حتی اگر این نقد چندان هم متوجه هدف های «طرح سامان بخشی» و «جشنواره ی کتاب های آموزشی رشد» نباشد.



فرهنگی در جشنواره دغدغه های

(یادداشت وارده)

اشاره

دشواری نقد از آن روست که همچون تیغ دو لبه، یک لبه ی آن همواره به جانب همان کسی است که تیغ را در دست دارد. گرچه نقد کننده ضعف های موضوع نقد را بر ملا می سازد، اما در این میان، بنیه ی علمی، و درک و درایت خود را نیز در معرض قضاوت همگان قرار می دهد. پس نقد و نقادی واقعاً جسارت می خواهد. اما تأثیر حیات بخش و اصلاح کننده ی و ارسسی و ارزیابی وضع موجود آن قدر ارزش دارد که دیگر از جسارت ورزیدن و خطر کردن نهراسید. از همین روست که «رشد جوانه»، در راستای سامان بخشی به وضعیت موجود کتاب های آموزشی، هرگونه نقدی را در این زمینه با کمال میل می پذیرد؛ حتی اگر این نقد چندان هم متوجه هدف های «طرح سامان بخشی» و «جشنواره ی

مقدمه

وقتی حساب کتاب و فرهنگ و موارثت گذشتگان و فرهیختگی و مفاهیمی از این دست را از حساب کتاب کمک درسی و کمک آموزشی جدا نمی‌کنیم، دچار سردرگمی‌هایی می‌شویم که قاعدتاً عواقب ناخوشایندی را در حوزه‌ی فرهنگ و فرهنگ مطالعه پدید می‌آورد. این نکته، همان مشکلی است که «جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد» با آن دست به گریبان است و لاجرم باید برای آن چاره‌ای اندیشید.

کتاب و توسعه‌ی فرهنگی

در مباحث فرهنگی با مقوله‌ای به نام «رشد فرهنگی» و «فرهنگ کتاب‌خوانی» سروکار داریم. هم‌اکنون در دنیای امروز، آمار تولید کتاب و آمار مراجعه به کتابخانه به عنوان یکی از شاخص‌های مهم رشد و توسعه یافتگی فرهنگی به شمار می‌آید. در جامعه‌ی ما نیز هر از گاهی پای این آمار و ارقام به میان کشیده می‌شود؛ گاهی از افزایش آن‌ها اظهار خوشنودی و مسرت می‌کنیم و گاهی هم با مقایسه‌های جهانی، نشانه‌هایی از عقب‌افتادگی فرهنگی خود در میان آن‌ها می‌یابیم و حسرت می‌خوریم. با این حال، معمولاً مقامات فرهنگی کشور با ارائه‌ی آمارهای سالانه در زمینه‌ی افزایش تعداد عنوان‌ها و شمارگان کتاب‌ها،

کتاب‌های آموزشی رشد» نباشد.

در این شماره، نقدی را می‌خوانید از برادر عزیزمان، **قاسم کریمی** که مدت‌ها بود وعده‌ی آن را به ما داده بودند و عاقبت به آن وفا کردند. ایشان با قلمی شیوا و با لحنی بسیار صریح، بر همان ضرورتی پای فشرده‌اند که مسؤولان امر را بر آن داشت تا طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی را به اجرا در آورند؛ یعنی: کتاب‌های آموزشی می‌باید در خدمت رشد و توسعه‌ی فرهنگی قرار گیرند و ضعف‌هایی که اکنون بر این نوع کتاب‌ها سایه افکنده‌اند، ضرورتاً باید برطرف شوند. از این دیدگاه، و از تعمق و تمرکز ایشان بر ریشه‌های وضعیت نامطلوب موجود بسیار سپاسگزاریم. اما در بخش دیگری از مقاله، نگارنده به نقد اصطلاح «کتاب آموزشی» پرداخته‌اند که قدری ابهام دارد. ایشان نوشته‌اند:

«آنچه ما در پیشینه‌ی علمی و ادبی‌مان داریم، ترکیب‌هایی از این دست است: کتاب علمی و آموزشی، کتاب درسی، کتاب کمک درسی و **کتاب آموزشی**. اما اینک تعبیر خودساخته‌ی **کتاب آموزشی**، با تعریفی اجمالی که از آن به دست داده می‌شود...»

سؤال این است که: اگر در پیشینه‌ی علمی و ادبی ما ترکیب **کتاب آموزشی** وجود داشته است، چرا آن را تعبیری خود ساخته دانسته‌اند؟
مقاله را بخوانید و خود قضاوت کنید.

آیا هر کتابی ارزش فرهنگی دارد؟

برخی گمان می‌کنند که در دل جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد می‌توان با آثار، کتاب‌ها و اندیشه‌هایی مواجه شد که سرشار از فرهنگند، و فکر، اندیشه‌پروری، و شوق به مطالعه. گمان می‌کنند که در ورای این کتاب‌ها، آثاری از جنس آخرین دستاوردهای علمی، تکان‌های روحی، ادبیات ناب، شعرهای تکان‌دهنده، رمان‌های بیدارگر و چکیده‌ی اندیشه‌های بشری یافت می‌شود. اما چنین نیست. در جشنواره - اگر نگوییم همه، که نمی‌توانیم هم بگوییم! - گاهی کتاب‌هایی می‌یابیم که نه از جنس انتقال فرهنگ هستند، نه روح و جان دارند و جان می‌بخشند، نه چیزی بر حجم آگاهی‌ها می‌افزایند، نه مایه‌ای از ادبیات و تخیل، هنر و دانش بشری دارند، نه بیدارگرند، نه رسالتی دارند، نه بر رفتار و نگرش افراد تأثیر می‌گذارند، نه نخواندشان خسارتی وارد می‌آورد، نه نخواندشان فضلی در پی دارد، و نه اصولاً در حوزه‌ی توسعه‌ی فرهنگی قابل تعریف هستند. برای مثال می‌توان به کتاب‌هایی از نوع «کتاب کار» و «خودآموز» اشاره کرد که در ارتباط با درس‌های گوناگون مدرسه‌ای، در جشنواره‌های گوناگون رشد، برگزیده یا تقدیر شده‌اند و شمار آن‌ها هم چندان کم نبوده است.

مصرف کاغذ و... شاخص رشد فرهنگی کشور را رو به بهبود قلمداد می‌کنند.

اما همواره در میان این آمار و ارقام جای چنین سؤال‌هایی خالی است:

■ کتاب‌هایی که اساساً روح فرهنگی ندارند، خرید و مطالعه‌ی آن‌ها هیچ تغییر و رشد فرهنگی ایجاد نمی‌کند و حتی عشق به مطالعه‌ی کتاب را افزایش نمی‌دهند، آیا اصولاً «کتاب» به شمار می‌آیند و الزاماً استفاده از آن‌ها به معنای رشد فرهنگ مطالعه است؟

■ آیا اصولاً کتاب‌هایی از نوع حل المسائل، کتاب کار، کتاب کمک درسی و... که فاقد هرگونه آگاهی بخشی، ادبیات‌گرایی، انتقال موارث پیشین و... هستند، می‌توانند در شاخص رشد فرهنگی و افزایش کتاب‌خوانی سهمی داشته باشند؟



حال، سؤال یا مسأله این است: کتاب‌هایی از این دست که موجبات هیچ‌گونه افزایش علمی و فرهنگی را پدید نمی‌آورند - هر چند که ممکن است در جای خود به عنوان یک کتاب کمک‌درسی واجد فوایدی هم باشند - چه نیازی به مقدمه‌چینی‌های فرهنگی، از آن دست که ذکرش رفت، دارند؟ آیا باید آن‌ها را از لوازم و ابزار توسعه‌ی فرهنگی دانست؟ آیا باید از روی آوردن کودکان و نوجوانان به این‌گونه کتاب‌ها، به عنوان توسعه‌ی مطالعه و کتاب‌خوانی ابراز مسرت کرد؟ در این جا دو بحث قابل اشاره است: یکی اثبات یا ردّ میزان ارزش فرهنگی، علمی و ادبی کتاب‌های کمک‌درسی و سهم آن‌ها در توسعه‌ی فرهنگی، و دیگری، زمینه‌ها و دلایل ظهور این نوع کتاب‌ها به عنوان شاخصی برای رشد یافتگی فرهنگی.

ارزش فرهنگی کتاب‌های کمک‌درسی

بی‌آن‌که وارد چند و چون این موضوع شوم، فقط دیدگاه خود را به منظور حفظ انسجام مطلب، درباره‌ی سهم فرهنگی کتاب‌های کمک‌درسی مطرح می‌کنم و تفصیل آن را به وقتی دیگر وامی‌گذارم.

کتاب‌هایی از نوع خودآموز، کتاب‌کار، تست و... فقط تا جایی ارزش دارند که شیوه‌ی امتحان‌گیری مدرسه‌ها، به

همین روال باشد و روش کنکور دانشگاه‌ها به همین منوال که هست. اگر روزی بخش‌نامه‌ای صادر شود و شیوه‌ی امتحان مدرسه‌ها و خصوصاً کنکور دانشگاه‌ها وضعیتی دیگر پیدا کند، از فردای آن روز، تمام این کتاب‌ها از حیثیت و اعتبار می‌افتند و سکه‌ی یک پول می‌شوند. آری، به همین راحتی، کتاب‌هایی که امروز جایزه می‌گیرند و دارای سهمی در رشد و توسعه یافتگی فرهنگی کشور تعریف می‌شوند، در فردایی نه چندان دور، به قدر یک تورق کوتاه هم نمی‌ارزند. و جالب این‌که هم اکنون هم، همین کتاب‌ها، اگر یک سال یا دو سال از تاریخ چاپشان گذشته باشد و احیاناً «مطابق آخرین اصلاحات کتاب‌درسی» نباشند، حتی با تخفیف ۷۰ درصدی هم به فروش نمی‌رسند!

با این وصف، همچنان که همواره این تردید وجود داشته است که آیا اصولاً این‌گونه آثار مکتوب را می‌توان «کتاب» نامید یا نه، نباید به تعداد عنوان و شمارگان و استقبال خریداران آن‌ها دل خوش کرد و آن را به حساب توسعه‌ی فرهنگی گذاشت؛ گیرم که در جایی مشکل درسی دانش‌آموز را حل کنند و نمره‌ی بهتری در امتحان او به ارمغان بیاورند.

اما این‌که چرا چنین کتاب‌هایی نمی‌توانند در میدان فرهنگ و توسعه‌ی فرهنگی عرض اندام کنند و سهمی از

شاخص رشد فرهنگی را به خود اختصاص دهند، نکته ای است که یا باید علت آن را - آن چنان که برخی می گویند - به سطح کیفی نشر و ناشر و نویسنده ی ایرانی نسبت داد و گفت: این است دیگر! سطح علمی و آموزشی جامعه ی ما همین است! و یا آن را متوجه محافل فرهنگی و علمی دانست؛ که البته من، این دومی را برمی گزینم. از این رو، ناگزیر به چند و چونی درباره ی رویکردهای حاکم بر جشنواره ی کتاب های آموزشی رشد می پردازم.

واژه ی خودساخته ی کتاب آموزشی

واژه ی ترکیبی «کتاب آموزشی» یکی از معضلات و پیچیدگی های این عرصه است که هم اکنون بر تارک جشنواره جای دارد و در عین حال، بیان کننده ی عنوانی آبرومند برای شماری از ناشران کتاب های کمک درسی شده است. این واژه ی ترکیبی را ما خودمان ساخته ایم و برای آن تعریفی هم در انداخته ایم؛ هر چند که هنوز اتفاق نظری درباره ی مفهوم و تعریف آن در میان اهالی جشنواره و کارشناسان آن وجود ندارد.

چنین واژه ای با چنان تعریفی، در ادبیات علمی و ادبیات تعلیم و تربیت متداول نیست. حتی تا یک دهه ی پیش

هم در کشور خودمان نیز استعمالی نداشت. این که آیا اساساً اجازه داریم در حوزه هایی همچون ادبیات و علوم، دست به خلق واژه هایی بزنیم و تعریفی برای آن ها بسازیم که در هیچ دایرةالمعارفی ردپایی از آن نیست و هیچ متخصصی در سایر کشورها، معنای مورد نظر ما را از آن استنباط نمی کند، موضوع مهمی است که بحث درباره ی آن مجال فراخ می طلبد. ولی به همین اشاره بسنده می کنیم که اگر واژه ای مانند «کتاب آموزشی» می سازیم و هیچ متخصصی در زمینه ی ادبیات یا کتاب یا علوم یا تعلیم و تربیت در سایر کشورها، تعریف روشنی از آن ندارند، نباید گمان کنیم که دست به کاری دارای اعتبار و دارای ارزش علمی زده ایم. و اجازه نداریم آن را وارد ادبیات علمی کنیم. اما چنان بی پروا به ترویج این واژه می پردازیم که گویی در عالم کتاب، چیزی به اسم «کتاب آموزشی» و طبعاً «کتاب غیرآموزشی» داریم و متخصصان ذی ربط در سراسر جهان، مفهوم مشترکی را از آن استنباط می کنند.

آنچه، در پیشینه ی علمی و ادبی مان داریم، ترکیب هایی از این دست است: کتاب علمی و آموزشی، کتاب درسی، کتاب کمک درسی و کتاب آموزشی. اما اینک تعبیر خودساخته ی «کتاب آموزشی»، با تعریفی اجمالی که از آن

می شود، تعبیری است شامل کتاب کمک آموزشی و کمک درسی و کتاب علمی آموزشی. از این رو، از ناب ترین و معتبرترین کتاب علمی تا نازل ترین و مبتذل ترین کتاب سطحی و حل المسائلی در دل آن جای می گیرد؛ و اشکال کار در همین جاست. و این در حالی است که پیش از این، آگاهانه و تعمدی، بین کتاب کمک درسی و علمی آموزشی تمایز قائل شده اند تا سطح بندی، ارزشگذاری و کارکردهای متفاوت هریک از این کتابها مشخص و معین باشد.

فارغ التحصیلان رشته هایی همچون برنامه ریزی درسی و علوم تربیتی که باید حافظ واژگان و اصطلاحات تخصصی خود باشند نیز جاری می شود. و البته بعضاً مشاهده می شود که آنان از آن جا که در پیشینه ی علمی و مطالعاتی خود با چنین اصطلاحی مواجه نبوده اند، فقط به این دلیل که دستگاه اجرایی آموزش و پرورش آن را استعمال می کند، آن را جدی می گیرند؛ اما در همین حال در بیان تعریفی منسجم و جامع از آن، دچار افت و خیزهای گوناگون می شوند.

حاصل کلام

درست است که عملکرد جشنواره ی کتاب های آموزشی رشد، یکسره در

خاستگاه استعمال « کتاب آموزشی »

تأسف انگیز این که: واژه ی ترکیبی کتاب آموزشی دارای خاستگاهی علمی و پژوهشی نیست؛ بلکه منشأ و خاستگاه آن تمایلات تعدادی از ناشران کتاب های کمک درسی بوده است که گمان می کرده اند، واژه ی «کمک درسی» مایه ی کسر شأن و افت هویت آنان است. پس در جست و جوی عنوانی آبرومندانه تر برای خود، واژه ی کتاب آموزشی را خلق کرده اند. و اکنون می بینیم که این واژه ی خودساخته ی بی ریشه، به ادبیات آموزش و پرورش رسوخ کرده است و حتی بر زبان



شایسته است جشنواره درباره‌ی واژه‌ی «کتاب آموزشی» و تعریف جامع و مانع آن تعریفی علمی ارائه دهد و در غیر این صورت از آن صرف نظر کند. یکی از کارشناسان «کهنه کار فرهنگی» در مصاحبه با «رشد جوانه» می گوید: «کتاب آموزشی با کتاب درسی فرق دارد. تعریف شما از کتاب آموزشی چیست؟ به نظر من، هر کتابی، حتی کتاب شعر و قصه هم می تواند آموزشی باشد...» «قضاوت درباره‌ی یادداشت برادر ارجمند جناب آقای کریمی را به شما خوانندگان فرهیخته و اندیشمند وامی گذاریم چه آن که شما می دانید، مهم ترین برنامه‌ی طرح سامان بخشی کتاب های آموزشی، تولید سندهای راهنما برای تولیدکنندگان و پدیدآورندگان کتاب های آموزشی بوده است. که در اولین سند به تعریف دقیق کمک آموزشی پرداخته ایم.



خدمت چنین تعریف ها و برداشت هایی از کتاب آموزشی نبوده است و عملاً در میان برگزیدگان و تقدیرشدگان آن، آثاری بس فاخر و ماندگار مشاهده می شود، اما غفلت نکنیم که در دایره‌ی همین گونه تعریف ها به خودآموزها و کتاب کارهایی هم جایزه داده است که هیچ کارکرد فرهنگی ندارند و حداکثر کارشان این است که اندکی از کمبود وقت معلم در کلاس را جبران می کنند و اندکی هم سستی و تنبلی و ناکنجکاو‌ی برخی دانش آموزان را به دوش می کشند و هیچ ربطی هم به مفهوم «عادت کتاب خوانی» ندارند.

اگر رگه‌ای از اندیشه‌ی توسعه‌ی فرهنگی، افزایش عادت به مطالعه و... در جشنواره وجود دارد - که دارد! - ساز و کار آن باید به گونه‌ای باشد که از دل آن، آثاری که متضمن و برآورنده‌ی این هدف‌ها نیستند، سر بر نیاورند. و اگر به هر دلیل اجرایی، برنامه‌ای و عملکردی، ناگزیرند که به این دست کتاب‌ها - مثلاً

به دلیل تقویت برنامه‌ی درسی آموزش و پرورش - میدان بدهند، لااقل آن شعارهای سخت فرهنگی و آن دغدغه‌های سخت بشری را برای این گونه آثار قربانی نکنند. دیگر این که:



چکیده‌ی یافته‌های حاصل از نظرسنجی پنجمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد

سید امیر رون

(آبان‌ماه ۸۴)



اشاره

«دفتر انتشارات کمک آموزشی»، با هدف ارزیابی دستاوردهای «طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی» از نگاه مؤلفان، ناشران، معلمان و کارشناسان، در قالب یک طرح ارزیابی، در جریان برگزاری پنجمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی، به چند و چون آرا و نظرات صاحب‌نظران این رخداد فرهنگی پرداخته است. گزارش حاضر بر اساس چکیده‌ی یافته‌های توصیفی حاصل از نظرسنجی از ۳۶ نفر از مجموع مدعوین میزگردهای تخصصی «کیفیت بخشی به کتاب‌های آموزشی با تأکید بر تعمیق یادگیری خلاق (صباح روز یکشنبه ۲۹ آبان ۸۴) و «رویکردهای نوین تولید کتاب‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای» (بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۹ آبان ۸۴) و همچنین، نظرخواهی از ۱۲۵ نفر از شرکت‌کنندگان مراسم اختتامیه (بعد از ظهر روز دوشنبه ۳۰ آبان ۸۴) تنظیم شده است. شایان ذکر است، میانگین سنی پاسخگویان ۴۰ سال، سطح تحصیلات حدود ۸۰ درصد آنان لیسانس و فوق لیسانس، و حوزه‌ی فعالیتشان تألیف، کارشناسی و پژوهش است. به علاوه، میانگین سابقه‌ی فعالیت پاسخگویان در حوزه‌ی تدوین و نشر کتاب‌های آموزشی نزدیک به ۱۰ سال است.

در این نوشتار، خلاصه‌ی نتایج حاصل از این نظرخواهی در دو بخش میزگردهای تخصصی و مراسم اختتامیه توصیه شده است. امیدواریم یافته‌های ارائه شده، در ترسیم تصویری هر چه شفاف‌تر از فرایند مورد نظر، به گونه‌ای کارآمد مرجع‌ذی‌صلاح را در طراحی، برنامه‌ریزی و برگزاری مطلوب‌تر این اقدام ارزشمند یاری رساند.

الف) میزگردهای تخصصی

◀ ارزیابی از موضوع میزگردها

- میزان آشنایی ۵۰ درصد از شرکت کنندگان با موضوع میزگرد اول در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است. در میزگرد دوم، میزان آشنایی ۳۱/۶ درصد از شرکت کنندگان با موضوع، در حد زیاد و خیلی زیاد، و آشنایی ۳۱/۳ درصد از شرکت کنندگان با موضوع، در حد کم و خیلی کم بوده است.
- ۳۴/۴ درصد از پاسخگویان، موضوع میزگردها را یکی از مهم ترین موضوعات و ۵۰ درصد آن‌ها، موضوع میزگردها را در مقایسه با سایر موضوعات، دارای اهمیت زیاد ارزیابی کرده اند.
- به زعم ۳۳/۴ درصد از پاسخگویان، تصویری روشن از موضوعات مورد بحث در میزگرد اول ارائه شده است. ۳۷/۶ از درصد پاسخگویان، معرفی کمبودها و مشکلات را مطلوب ارزیابی کرده اند.
- ۳۱/۳ درصد از پاسخگویان اظهار داشته اند، راه حل های ارائه شده در میزگردها مناسب یا بسیار مناسب بوده اند.
- ارزیابی ۳۷/۶ درصد از پاسخگویان میزگرد اول از جمع بندی و نتیجه گیری از مباحث مطرح شده، مناسب یا بسیار مناسب بوده است.
- در میزگرد دوم، ۵۲/۹ درصد از پاسخگویان، ارائه ی تصویری روشن از موضوعات مورد بحث را مطلوب ارزیابی کرده اند.
- در میزگرد دوم، از نظر شرکت کنندگان راه حل های مناسبی ارائه نشده اند. میانگین ۳۴/۴ (از صد نمره) مؤید همین نکته است. تنها ۱۰/۵ درصد از پاسخگویان، راه حل های ارائه شده را مناسب ارزیابی کرده اند.
- جمع بندی و نتیجه گیری در میزگرد دوم، از نظر ۳۵/۳ درصد از پاسخگویان مناسب یا بسیار مناسب بوده است. میانگین ۵۲/۹ درصد و متوسط است.
- براساس شاخص ارزیابی موفقیت، میزان موفقیت میزگرد اول ۴۸/۶ (از صد نمره) و کم تر از متوسط دانسته شده است.

◀ ارزیابی از گردانندگان میزگرد

- میزان دانش و تجربه ی کارشناسان اصلی میزگرد اول، از نظر ۴۶/۷ درصد از پاسخگویان مناسب یا بسیار مناسب بوده است.
- میزان دانش و تجربه ی کارشناسان اصلی میزگرد دوم، از نظر ۶۰ درصد از پاسخگویان مناسب یا بسیار مناسب بوده است.
- میانگین شاخص ویژگی های گردانندگان میزگرد اول ۶۰/۷ (از صد نمره) و بالاتر از متوسط است.
- میانگین شاخص ویژگی های

گردانندگان میزگرد دوم ۶۵/۹ (از صد نمره) و در حد زیاد است.

اجرای مطلوب بوده است.
● امکانات سمعی و بصری میزگردها با میانگین ۵۰ (از صد نمره)، متوسط و نسبت به دیگر موارد، ضعیف ارزیابی شده است.

◀ ارزیابی از برنامه ریزی اجرایی

● میانگین به دست آمده درخصوص ارزیابی پاسخگویان از مدت زمان میزگرد اول ۴۲/۸ (از صد نمره) است. بر این اساس و به زعم اکثر پاسخگویان، مدت میزگرد مناسب نبوده است.
● برگزاری میزگرد اول در صبح یک روز کاری، از نظر اکثر پاسخگویان مطلوب ارزیابی شده است.
● مکان برگزاری و تجهیزات اداری میزگردها از نظر بیش تر پاسخگویان مطلوب ارزیابی شده است.

● میانگین به دست آمده درخصوص ارزیابی پاسخگویان از مدت زمان میزگرد اول ۴۲/۸ (از صد نمره) است. بر این اساس و به زعم اکثر پاسخگویان، مدت میزگرد مناسب نبوده است.

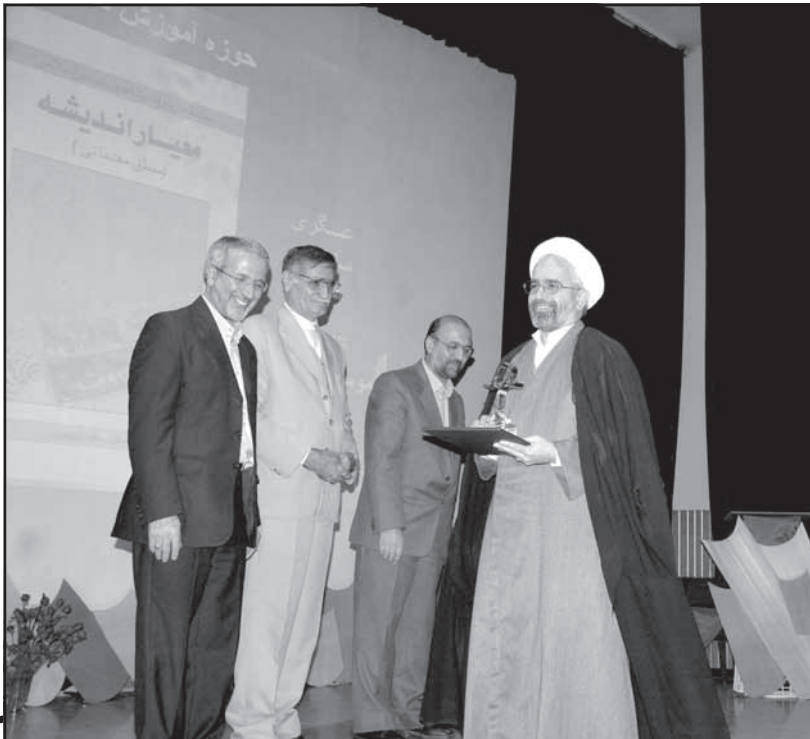
● برگزاری میزگرد اول در صبح یک روز کاری، از نظر اکثر پاسخگویان مطلوب ارزیابی شده است.

● مکان برگزاری و تجهیزات اداری میزگردها از نظر بیش تر پاسخگویان مطلوب ارزیابی شده است.

◀ ارزیابی از ضرورت و فایده

برگزاری میزگردها
● ۹۳/۸ درصد از افراد، ضرورت

● به زعم ۸۶/۷ درصد از پاسخگویان، نحوه ی برخورد و پاسخگویی مسؤولان



برگزاری میزگردهای تخصصی در جشنواره را زیاد و بسیار زیاد اظهار کرده‌اند.

● ۷۵ درصد از پاسخگویان، فایده‌ی برگزاری میزگرد اول تخصصی و همچنین، ۶۵ درصد از پاسخگویان، فایده‌ی برگزاری میزگرد دوم را زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند.

ب) مراسم اختتامیه‌ی جشنواره

اطلاع‌رسانی جشنواره

● ۸۶/۲ درصد از پاسخگویان، از طریق دعوت‌نامه یا تماس مستقیم از برگزاری جشنواره آگاه و دعوت شده‌اند.

همچنین، ۶/۵ درصد افراد توسط دوستان و همکاران، و ۱/۶ درصد نیز از طریق پوستر جشنواره، از برگزاری آن مطلع شده‌اند.

● ۴۹/۱ درصد از پاسخگویان، اولویت اول مناسب‌ترین وسیله‌ی اطلاع‌رسانی را دعوت‌نامه یا تماس مستقیم اعلام داشته‌اند. رادیو و تلویزیون با ۳۶/۲ درصد، در رتبه‌ی بعدی قرار گرفته است.

● رادیو تلویزیون و مطبوعات، هر یک با ۲۷/۵ درصد، به عنوان اولویت دوم مناسب‌ترین سازوکار اطلاع‌رسانی دانسته شده‌اند.

● ۵۶/۲ درصد از پاسخگویان، اطلاع‌رسانی درباره‌ی برگزاری جشنواره

را خوب یا خیلی خوب ارزیابی کرده‌اند. ● ۲۸/۷ درصد از پاسخگویان، اطلاع‌رسانی درباره‌ی هدف‌ها، راهکارها و ویژگی‌های «طرح ساماندهی کتاب‌های آموزشی» را خوب و خیلی خوب اعلام کرده‌اند. این در حالی است که ۳۵/۷ درصد از آن‌ها، اطلاع‌رسانی درباره‌ی هدف‌ها، راهکارها و ویژگی‌های طرح ساماندهی کتاب‌های آموزشی را ضعیف و خیلی ضعیف دانسته‌اند.

مشارکت در جشنواره

● ۴۵/۷ درصد از پاسخگویان، آثار خود را به جشنواره ارسال کرده‌اند. بیش‌ترین فراوانی به گروه‌های فنی و حرفه‌ای، شیمی و زبان خارجی اختصاص داشته است.

● ۵۷/۶ درصد آثار ارائه شده به جشنواره در حوزه‌ی تألیف، و ۱۶/۹ درصد در حوزه‌ی ترجمه بوده‌اند.

● از بین پاسخگویان، ۸ درصد در جشنواره‌ی اول، ۱۱/۹ درصد در جشنواره‌ی دوم، ۲۰/۴ درصد در جشنواره‌ی سوم و ۳۰/۸ درصد در جشنواره‌ی چهارم شرکت داشته‌اند.

✓ کیفیت برنامه‌های اختتامیه

● از میان برنامه‌های گوناگون جشنواره، قرائت بیانیه‌ی هیأت داوران توسط دبیر

ارزیابی کرده‌اند. همچنین، ۲۸/۶ درصد آن‌ها تعداد تقدیرشدگان را متوسط اعلام کرده‌اند.

● نوع جایزه‌ی اهدایی به برگزیدگان، از نظر ۶۲/۲ درصد پاسخگویان مناسب و خیلی مناسب بوده است.

● ۵۴/۲ درصد از افراد نیز، نحوه‌ی قدردانی از تقدیرشدگان را مناسب و خیلی مناسب دانسته‌اند.

● ۵۴/۸ درصد از پاسخگویان، برگزیدگان جشنواره‌ی پنجم را در حد زیاد و خیلی زیاد، برگزیده ارزیابی کرده‌اند.

◀ ارزیابی داوری جشنواره

● ۵۷/۹ درصد از پاسخگویان، ملاک‌های داوری را مناسب و خیلی مناسب دانسته‌اند. ۲۷/۵ درصد ملاک‌های داوری را متوسط، و ۱۴/۴ درصد نیز ملاک‌های داوری را نامناسب اعلام کرده‌اند.

● ۶۷/۶ درصد از پاسخگویان، هیأت داوران را مناسب و خیلی مناسب ارزیابی کرده‌اند.

◀ ارزیابی برنامه‌ریزی اجرایی

● به زعم ۸۲/۹ درصد از پاسخگویان، فصل برگزاری جشنواره مناسب بوده است.

● ۶۸/۹ درصد از پاسخگویان، برگزاری جشنواره در دو روز کاری را مطلوب

جشنواره با میانگین ۷۳/۳ (از صد نمره)، نحوه‌ی اجرای مجری با میانگین ۷۱/۱ (از صد نمره)، و سخنرانی وزیر

آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی با میانگین ۷۰ (از صد نمره)، مناسب‌ترین برنامه‌ها ارزیابی شده‌اند.

● ۶۵/۵ درصد از پاسخگویان، برنامه‌های جانبی جشنواره را مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

● ۳۱/۶ درصد از پاسخگویان، سخنرانی وزیر آموزش و پرورش را به عنوان بهترین برنامه ذکر کرده‌اند. سخنرانی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی با ۱۸/۴ درصد در رتبه‌ی بعدی قرار دارد.

● میانگین شاخص ارزیابی از برنامه‌های اختتامیه‌ی جشنواره‌ی پنجم ۶۶/۲ (از صد نمره) و نسبتاً بالاست. ۷۲/۴ درصد از پاسخگویان، برنامه‌های اختتامیه را در مجموع مناسب دانسته‌اند.

◀ ارزیابی از برگزیدگان جشنواره

● ۶۲/۸ درصد از پاسخگویان، تعداد برگزیدگان جشنواره را مناسب و خیلی مناسب اعلام کرده‌اند. همچنین، ۶/۲۵ درصد آنان از تعداد برگزیدگان جشنواره ارزیابی متوسط داشته‌اند.

● ۶۱/۹ درصد از پاسخگویان، تعداد تقدیرشدگان را خیلی مناسب و مناسب

ارزیابی کرده‌اند. همچنین، ۶۰/۳ درصد آن‌ها برگزاری جشنواره در روزهای کاری را مناسب دانسته‌اند.

● به نظر ۶۹/۸ درصد از پاسخگویان، مکان برگزاری مراسم اختتامیه مناسب بوده است.

● ۳۳/۳ درصد از پاسخگویان، اطلاع‌رسانی درباره‌ی قسمت‌های گوناگون جشنواره را مناسب دانسته‌اند، در حالی که ۲۳/۸ درصد آن‌ها، اطلاع‌رسانی را نامناسب اعلام کرده‌اند.

● ۵۴/۴ درصد از پاسخگویان، حذف مراسم افتتاحیه را مناسب و ۲۶/۱ درصد آن را نامناسب ارزیابی کرده‌اند.

● ۷۵/۸ درصد از پاسخگویان، ترکیب مدعوین مراسم اختتامیه را مناسب دانسته‌اند.

● ۸۷/۸ درصد نیز نحوه‌ی برخورد مسؤ‌ولان اجرایی جشنواره را مناسب ارزیابی کرده‌اند.

● امکانات سمعی و بصری مراسم اختتامیه، از نظر ۷۰/۸ درصد پاسخگویان مناسب بوده است.

● ۵۲/۹ درصد از پاسخگویان، امکانات پذیرایی مراسم اختتامیه را مناسب، ۳۲/۴ درصد متوسط و ۱۴/۷ درصد نامناسب ارزیابی کرده‌اند.

● شاخص ارزیابی از برنامه‌ریزی اجرایی جشنواره ۶۸/۴ (از صد نمره) و مثبت ارزیابی شده است.

◀ ثمربخشی جشنواره

۵۶ درصد از پاسخگویان، تلاش



برگزارکنندگان جشنواره را در عمومی کردن هدف‌ها و معیارهای انتشار کتاب‌های آموزشی، زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند.

● ۶۹/۸ درصد از پاسخگویان، تأثیر برگزاری جشنواره را در ارتقای کمی و کیفی کتاب‌های آموزشی زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند.

● تأثیر برگزاری جشنواره در جهت هماهنگی و سازماندهی فعالیت‌های بخش‌های دولتی و غیردولتی، از نظر ۷/۵۶ درصد از پاسخگویان زیاد و خیلی زیاد اعلام شده است.

● به نظر ۳/۶۶ درصد از پاسخگویان، برگزاری جشنواره تا حد زیاد و خیلی زیاد می‌تواند، در ایجاد فضای رقابتی سالم و سازنده بین مؤلفان و ناشران تأثیر داشته باشد.

● به زعم ۴/۷۵ درصد از پاسخگویان، جشنواره می‌تواند، با قدردانی از اشخاص حقیقی و حقوقی، در جهت الگوسازی بسیار مؤثر باشد.

● ۴/۶۵ درصد از پاسخگویان، برگزاری جشنواره را در تقویت دانش حرفه‌ای پدیدآورندگان حوزه‌ی کتاب‌های آموزشی زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند.

● ارزیابی ۶/۶۸ درصد از آنان، از میزان ثمربخشی جشنواره زیاد و خیلی زیاد بوده است.

● ۳۸ درصد نیز بر این عقیده‌اند که

انتشار کتاب‌های کمک آموزشی هم به نفع دانش‌آموزان و هم به نفع دبیران است. همچنین، ۲۵ درصد اظهار داشته‌اند، انتشار کتاب‌های آموزشی بیش‌تر به نفع ناشران است و ۶/۱۷ درصد انتشار این کتاب‌ها را به نفع دانش‌آموزان ارزیابی کرده‌اند.

● ۸/۳۹ درصد از پاسخگویان وضعیت موجود کتاب‌های کمک آموزشی و تأثیر آن‌ها بر فرایند آموزش را خوب و خیلی خوب اعلام کرده‌اند.

◀ ارزیابی از مشکلات کتاب‌های کمک آموزشی

● از نظر ۸/۴۱ درصد از پاسخگویان، میزان منطبق نبودن کتاب‌های کمک آموزشی بر هدف‌های کلان آموزش و پرورش زیاد و خیلی زیاد است. در این خصوص، تنها ۴/۲۱ درصد این عدم انطباق را کم ارزیابی کرده‌اند.

● ۴/۴۷ درصد از پاسخگویان، میزان انطباق نداشتن کتاب‌های کمک درسی با برنامه‌ی رسمی درسی را زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند.

● ۴/۴۳ درصد نیز بر این عقیده‌اند که بی‌توجهی کتاب‌های کمک آموزشی به نیازهای آموزشی مخاطب، در حد زیاد و خیلی زیاد است.

● ۴/۴۷ درصد از پاسخگویان، عدم

تکمیل و تقویت برنامه‌ی درسی رسمی را در کتاب‌های کمک آموزشی، در حد زیاد و خیلی زیاد اعلام کرده‌اند. میانگین ارزیابی پاسخگویان از عدم تکمیل و تقویت برنامه‌ی درسی ۵۷/۳ (از صد نمره) است.

● ۴۹ درصد از پاسخگویان، میزان استفاده نکردن از مؤلفان و مترجمان مجرب و متخصص در تألیف کتاب‌های آموزشی را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. میانگین ارزیابی پاسخگویان ۶۰/۵ (از صد نمره) و مؤید همین نکته است.

● ۶۳/۲ درصد از پاسخگویان، میزان دانایی محور نبودن کتاب‌های کمک آموزشی را در حد کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. میانگین ارزیابی پاسخگویان ۸/۷۰ (از صد نمره) و مؤید همین نکته است.

● ۶۰/۳ درصد از پاسخگویان، میزان آزمون محور بودن کتاب‌های آموزشی را در حد زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند.

● ارزیابی ۷۰/۲ درصد از پاسخگویان، از خودآموز نبودن کتاب‌های کمک آموزشی در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است.

● ۴۱/۷ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند، کتاب‌های کمک آموزشی در حد زیاد و خیلی زیاد جایگزین کتاب‌های درسی شده‌اند.

● ۷۳/۵ درصد از پاسخگویان بر این

باورند که در حد زیاد و خیلی زیاد، کتاب‌های کمک آموزشی به حل المسائل تبدیل شده‌اند.

● بی‌توجهی پدیدآورندگان کتاب‌های کمک آموزشی به نیازهای آموزشی مناطق محروم، از نظر ۶۴/۵ درصد از پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است.

● بی‌توجهی به معیارهای تدوین کتاب‌های آموزشی، از نظر ۴۴/۸ درصد از پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است.

● شاخص ارزیابی از مشکلات کتاب‌های کمک آموزشی ۴۲/۱ (از صد نمره) و بیانگر این نکته است که از نظر پاسخگویان، وضعیت کتاب‌های کمک آموزشی، با توجه به مشکلات موجود تا وضعیت مطلوب فاصله‌ی قابل توجهی دارد و پائین‌تر از حد متوسط است.

◀ رضایت از جشنواره

● میانگین رضایت کلی پاسخگویان از جشنواره‌ی پنجم ۶۸/۱ (از صد نمره) و زیاد بوده است. در این خصوص، تنها ۹/۲ درصد از پاسخگویان اظهار ناراضایتی کرده‌اند. همچنین، ۳۰/۴ درصد آن‌ها میزان رضایت خود از جشنواره را متوسط دانسته‌اند.

علاقه‌مندان برای اطلاع بیشتر می‌توانند به گزارش کامل نظرسنجی که در دفتر موجود می‌باشد مراجعه فرمایند.

کتاب‌های ما باید یادگیرنده محور باشند.

بهشید ملاصالحی

میزگرد رویکردهای نوین در تولید کتاب‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای حلقه‌ی گمشده‌ی عمل و تئوری



اشاره

آموزش فنی و حرفه‌ای و کتاب‌هایی که در این حوزه تولید می‌شوند، باید واجد چه ویژگی‌هایی باشند تا منظور و مراد مدیران و برنامه‌ریزان این حوزه را برآورده سازند؟ تاریخچه‌ی تدوین این کتاب‌ها، و برنامه‌ریزی برای تألیف آن‌ها در ایران به چه دوران و سال‌هایی باز می‌گردد؟ تاکنون چه تعداد از این کتاب‌ها تولید شده‌اند و کارایی آن‌ها چه قدر بوده است؟ آیا این کتاب‌ها کاربردی هستند یا بیش‌تر از منظر تئوریک به مسائل نگاه می‌کنند؟ آیا فنی‌کاران مادر هر رشته و شاخه‌ای می‌توانند با این کتاب‌ها و مسائل آن ارتباط برقرار کنند؟ و آیا در تألیف این کتاب‌ها به تجربه‌های علمی فنی و حرفه‌ای توجه می‌شود؟ این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر در میزگرد «رویکردهای نوین در تولید کتاب‌های آموزش فنی و حرفه‌ای» که با حضور کارشناسان این حوزه برگزار شد، مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

در این میزگرد چند تن از صاحب‌نظران و کارشناسان کتاب‌های آموزشی که بیاناتی ارائه نموده‌اند به این شرح می‌باشند:



۱. رسول زاده، مدیر کل دفتر آموزش فنی و حرفه ای
۲. جاریانی، معاون دفتر برنامه ریزی تألیف کتاب های فنی و حرفه ای
۳. آزاد، معاون دفتر برنامه ریزی تألیف کتاب های فنی و حرفه ای
۴. افضلی، کارشناس کتاب های آموزشی
۵. دهستانی، کارشناس کتاب های آموزشی
۶. پرزگر، صاحب نظر در حوزه ی کتاب های آموزشی

○○○

آزاد: ضمن خیر مقدم به همکاران و ناشران عزیز، بحث امروز ما به کتاب های غیردرسی در حوزه ی کتاب های فنی و حرفه ای اختصاص دارد.

در این جلسه می خواهیم، نسبت کتاب های غیردرسی را با درسی، و جایگاه آن ها را بررسی کنیم. اجرای آموزش های فنی و حرفه ای در کشور، از سال ۱۳۰۵ در تهران شروع شد و تاریخ آن به ۸۰ سال قبل برمی گردد که به

صورت آکادمیک و تحت نظامی خاص راه اندازی شد. تا قبل از انقلاب اسلامی، تقریباً کتاب درسی در حوزه ی فنی و حرفه ای وجود نداشت.

بعد از انقلاب اسلامی، در زمینه آموزش های فنی و حرفه ای، موضوع تدوین کتاب های درسی به طور جدی مطرح شد و

با توجه به تنوع و تعدد رشته ها، به ویژه در نظام جدید فنی و حرفه ای که از سال ۱۳۷۱ شروع به کار کرد، تدوین این کتاب ها سرعت بیش تری پیدا کرد. تاکنون، بیش از ۶۰۰ جلد کتاب، با تنوع ۵۰ رشته در حوزه ی آموزش های فنی و حرفه ای، و ۲۰۰ رشته در حوزه ی آموزش های مهارتی تألیف

**بسته ی آموزشی
یعنی تنوع مواد،
مخاطب،
سازماندهی و
حرکت.**

شده اند.

اما در مورد کتاب های غیردرسی می توان گفت، دو گروه به این کتاب ها نیازمند هستند: گروه اول آن ها که به تقویت احتیاج دارند تا خود را به برنامه ی درسی برسانند، و گروه دوم کسانی که جلوتر از برنامه ی درسی حرکت می کنند و خود را

داشته است. آنچه که امروز بسیار روی آن تأکید می‌شود، این است که برنامه ریزی درسی باید دارای بسته‌ی آموزشی باشد. بسته‌ی آموزشی یعنی تنوع مواد، مخاطب، سازماندهی و حرکت.

افضلی: بنا به دلایلی، مخاطب کتاب‌های «انتشارات فنی ایران»، فقط دانش‌آموزان نیستند. مخاطب ما می‌تواند کارگر، کشاورز و دانش‌آموز باشد. کار ما فراتر از کتاب درسی است، زیرا در کتاب‌های درسی فقط یک سلسله اصول را درس می‌دهند و این امکان هم وجود دارد که دانش‌آموز پس از فارغ‌التحصیلی اصلاً به دنبال شغل مرتبط با تحصیلاتش نرود. یعنی ما بنای دیپلمه خیلی کم داریم، ولی به هر حال خانه را بنا می‌سازد یا گچ کاری را باید گچ کار انجام دهد. بنابراین، مخاطب اصلی ما در درجه‌ی اول این گروه هستند

برای مسیر دیگری آماده می‌کنند. در حوزه‌ی آموزش‌های نظری، بحث کتاب آموزشی، کمک درسی و... بحث بسیار داغی است. حساسیت آن بیش‌تر مربوط به دوره‌ی متوسطه است که موضوع کنکور را به دنبال دارد، اما امروزه به حوزه‌های ابتدایی و راهنمایی هم وارد شده است و کتاب‌های زیادی متولد شده و شکل گرفته‌اند.

این که کتاب‌های غیردرسی چه قدر با برنامه‌ی درسی و کتاب‌های درسی تناسب دارند، سؤال سازمان پژوهش است. بحث کنکور در زمینه‌ی آموزش فنی و حرفه‌ای به داغی کنکور در رشته‌های دیگر نیست. سازمان پژوهش براساس مأموریت خود باید فعالان حوزه‌ی نشر کتاب‌های آموزشی غیردرسی را به کمک بطلبد. در دنیا بحث کتاب درسی و کمک آموزشی بحران نیست و تاکنون تحولات زیادی



که ممکن است هیچ وقت درس نخوانده باشند. در این زمینه ما با مشکلات زیادی مواجه شدیم. اولین مشکل ما در زمینه‌ی تألیف بود. کسانی که کار را بلد هستند، نمی‌توانند کتاب بنویسند و آن‌هایی که توانایی نوشتن دارند، کارها را بلد نیستند. نزدیک به ده سال است که دست به گریبان این مشکل هستیم تا راهی پیدا کنیم که این دو گروه را به هم وصل کنیم.

رسول زاده: نکته‌ای که در مورد ضرورت تألیف و تدوین کتاب‌های

فنی و حرفه‌ای به نظر من می‌آید، تحولی است که در پنج سال گذشته در عرصه‌ی اجرای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اقبال والدین و دانش‌آموزان به این حوزه اتفاق افتاده است. با توجه به سهم ۳۵ درصدی که در برنامه‌ی سوم توسعه برای جذب دانش‌آموزان به فنی و حرفه‌ای تعیین

شده، اقبال عمومی به نحوی است که ما برای هر ده نفر مراجعه‌کننده، فقط یک صندلی داریم. در حال حاضر وضعیت به گونه‌ای است که میزان درخواست برای توسعه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بسیار بالاست. در گذشته

گفته می‌شد که هنرستان‌ها، جایگاه دانش‌آموزان تنبل است. اما در حال حاضر با توجه به تحول‌های صورت گرفته، این طرز فکر عوض شده است و دانش‌آموزان با استعداد و علاقه‌مند وارد این حوزه می‌شوند. این موضوع تحولی مثبت است. اکنون افرادی با معدل بالا در هنرستان‌ها حضور پیدا می‌کنند و در بعضی از رشته‌ها، سطح معدل ۱۸ است. حالا که استقبال عمومی از این آموزش‌ها بیش‌تر شده است، جامعه باید برای تولید منابع آموزشی اشتیاق بیش‌تری نشان دهد.

در دومین کنفرانس آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سال ۱۹۹۰، بحث «آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مادام‌العمر» مطرح شد. این نیز تحول دیگری است. یعنی افراد باید صاحب صلاحیت باشند تا بتوانند، در رشته‌های حرفه‌ای حضور پیدا کنند و علاقه‌مند باشند که

همیشه یاد بگیرند. به دلیل تحولات ناشی از نوآوری‌های جدید و رشد سریع علم و عرصه‌های تولید فناوری، هر ده یا بیست سال، در همه‌ی رشته‌های فنی و حرفه‌ای تحولی محتوایی اتفاق می‌افتد. پس باید منابع جدیدی تولید

کتاب درسی و غیر درسی دست کم در حوزه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌توانند، به صورت متعامل در کنار هم قرار بگیرند و شاید هم جایگزین شوند.

می شدند، در سال های بعد هم همین کار را خواهند کرد. جدی نگرفتن آینده، یکی از مهم ترین غفلت هایی است که ما درگیر آن هستیم. مخصوصاً در بخش آموزش های فنی و حرفه ای ما فکر می کنیم، آینده را با سازوکارهای گذشته می توانیم رقم بزنیم.

نکته ی بعد این است که جایگاه مبحث آینده پژوهی و آینده نگری به صورت جدی در آموزش های فنی و حرفه ای مدنظر قرار نگرفته است. زمانی می توانیم از فناوری های نو در آموزش های فنی و حرفه ای صحبت کنیم که به رویکرد حال حاضر جهان برای آموزش های فنی و حرفه ای توجه کرده باشیم. متأسفانه، ما از سرعت روز افزون فناوری و تولید محتوا در جهان غافل هستیم. همین موضوع سبب می شود، آنچه که ما به عنوان هدف در آموزش های فنی و حرفه ای مورد توجه قرار می دهیم، مربوط به امروز باشد، نه فردا. برای آنچه که امروز در دنیا مطرح است، ۲۰ سال پیش برنامه ریزی شده است. ما اگر می خواهیم چشم انداز ۲۰ سال آینده ی خود را روی این مباحث در نظر بگیریم، باید مطمئن باشیم که ۲۰ سال دیگر، چارچوب های دیگری مطرح می شود.

به عقیده ی من، متأسفانه کسانی که فنی هستند، اهل قلم نیستند و کسانی که اهل قلم هستند، فنی نیستند. برای تولید



شوند.

افراد جامعه نیازمند یادگیری های متناسب با شرایط روز جامعه هستند. ما وسایل زیادی در اختیار داریم که دانش استفاده از آن ها را نداریم. به همین علت است که آموزش های فنی و حرفه ای را همه باید فرا بگیرند. در آماري که از آمریکا گرفته شده بود، دیدم یک میلیون و سیصد هزار مهندس ۴۰ ساله در دانشگاه در حال یادگیری شغل جدیدی هستند.

دهستانی: متأسفانه در نظام آموزشی ما، چه فنی و حرفه ای و چه غیر فنی و حرفه ای، هنوز باور نکرده ایم که آینده همانند گذشته نیست. هنوز فکر می کنیم، سازوکارها، دستورالعمل ها و چارچوب ها، کتاب ها و منابع آموزشی که در سال های قبل باعث موفقیت ما

محتوایی که به درد امروز بخورد، ما می‌توانیم از کارشناسان دیروز استفاده کنیم. ولی برای تولید محتوای آینده نمی‌توانیم از کارشناسان امروز استفاده کنیم. نیازمند کارشناسانی هستیم که به مسائل نگاه کلان دارند و در عین حال دائم در حال بازپروری آموزشی خود هستند. ما نمی‌توانیم تیمی را برای تولید محتوا در آموزش فنی و حرفه‌ای اجیر کنیم و انتظار داشته باشیم، محصولات آن‌ها به پرورش جوان‌هایی منجر شود که بتواند در چند سال آینده، سرنوشت اقتصادی مملکت را رقم بزند. به عبارت ساده‌تر، با علم دیروز نمی‌توان جوان امروز را برای فردا آماده کرد. مدرک دانشگاهی به هیچ عنوان نمی‌تواند به اقتصاد مملکت کمک کند. به اعتقاد من، ما باید سعی کنیم، با این باور که آینده‌ی ما در پنج سال آینده به غیر از پنج سال گذشته‌ی ماست، حساسیت موضوع را درک کنیم.

برزگر: در بحث کتاب‌های آموزشی، یک نکته باید روشن شود: وقتی از کتاب آموزشی صحبت می‌کنیم، آیا با همان تعریفی است که تا الان در جامعه وجود داشته است؟ طبق این

تعریف، باید دید کتاب مزبور در جامعه چه قدر مشتری دارد و در برنامه‌ی درسی دارای چه جایگاهی است. یعنی باید ارتباط آن با برنامه‌ی درسی دیده شود. بنابراین، منشأ کتاب‌های کمک درسی به برنامه‌ی درسی برمی‌گردد. این موضوع ارتباط بیش‌تر بخش‌های نشر با دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان درسی را طلب می‌کند. از طرف دیگر، تولید مواد و کتاب‌های آموزشی در آموزش رسمی به سازمان پژوهش مربوط می‌شود و در بخش غیررسمی، براساس

استانداردهای مهارت عمل می‌شود. بنابراین فرایندی را باید طی کنیم تا محتوا به بیرون عرضه شود.

جاریانی: وقتی بحث آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مطرح می‌شود، یک سلسله آموزش‌هایی مطرح می‌شوند که به طور مستقیم و تنگاتنگ با فناوری گره خورده‌اند. به علت ماهیت فناوری که به سرعت عوض می‌شود،

نهایتاً کتاب یا آنچه که از آن پشتیبانی می‌کند، باید بتواند آن را پوشش دهد. اگر قرار باشد، کتاب‌ها به همین سبک و سیاقی باشند که تا الان پیش رفته‌اند، سودی ندارد؛ زیرا هیچ رویکرد جدیدی در آن‌ها نمی‌بینیم. کتاب‌ها به همان سبکی هستند که برای دوره‌ی متوسطه

**اگر محتوای
کتاب‌ها هم
یادگیرنده محور
باشند، آن‌گاه
متدلوژی موجود
در کتاب‌ها
می‌تواند کمک
کننده باشد.**

قرار بگیرند و شاید هم جایگزین شوند. برای مثال، امسال ما برای رشته‌های مهارتی حوزه‌ی رایانه به سراغ کتاب‌های غیردرسی رفتیم و از آن‌ها ده دوازده عنوان انتخاب کردیم و به مدرسه معرفی کردیم. این عمل یعنی حوزه‌ی نشر توانسته است، حوزه‌ی برنامه‌ی درسی را قانع کند.

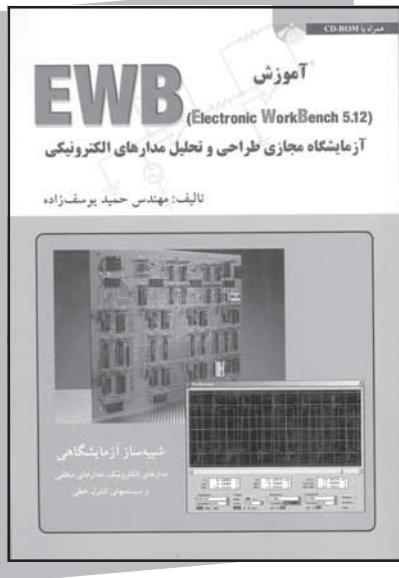
به چه علت می‌خواهیم وظایف خود را به بخش خصوصی بسپاریم؟ چرا می‌خواهیم نوشتن کتاب درسی را به حوزه‌ی نشر بسپاریم؟ و چرا می‌خواهیم تألیف موازی داشته باشیم؟ باید قاعده‌ی بازی را رعایت کنیم. یک مؤلف کفایت نمی‌کند. برای نوشتن کتاب درسی یک گروه خاص می‌خواهد. کتاب‌های کشورهای دیگر سازماندهی محتوا و شکل دارند. من انتظار دارم که دوستان ناشر به این شکل به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نگاه کنند.

نوشته می‌شوند؛ یک سلسله محفوظات که دانش‌آموزان کم‌تر آن‌ها را پیگیری می‌کنند. دانش‌آموزان درگیر درس و کنکور هستند. کنکور روی آموزش‌ها و بازار نشر سایه انداخته است.

در زمینه‌ی تولید به این علت که تعداد متقاضیان کم است، به همان نسبت تولید هم در این زمینه کم است و برای ناشران صرف نمی‌کند که کتاب‌هایی در این زمینه تولید کنند. به نظر من ما باید راه‌هایی عمومی پیدا کنیم برای آن که ناشران بتوانند به ما کمک کنند و برعکس.

آزاد: من اعتقاد ندارم که بین کتاب درسی و کتاب غیردرسی باید سلسله مراتبی وجود داشته باشد. این‌ها در یک سلسله مراتب دایره‌ای و تعاملی قرار دارند. کتاب درسی و غیردرسی دست‌های حوزه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌توانند، به صورت متعامل در کنار هم





در حال حاضر، یکی از مشکلات فنی و حرفه‌ای این است که کتاب‌های ما و دیگران صرفاً حاوی محتوا هستند. کتاب درسی یا کتاب غیر درسی اساساً نمی‌تواند به صورت خالص دارای محتوا باشد. با چند مسأله‌ی مقاومت مصالح، برق، چند تعریف و مانند این‌ها، مشکل فنی و حرفه‌ای حل نمی‌شود. این‌ها محفوظاتی هستند که دوستان آن‌ها را امتحان می‌دهند و ارتقا پیدا می‌کنند. اما هدف ما چیست؟ کتاب غیر درسی باید دارای روش باشد. یعنی باید به غیر از یادگیری درس ریاضی، روشی هم برای آن داشته باشیم؛ در غیر این صورت نمی‌توان مسأله حل کرد. کتاب‌های ما فاقد روش هستند یا اگر هم روش دارند، بسیار کمرنگ است و به خلاقیت فردی معلم برمی‌گردد، نه به برنامه‌ی درسی. رویکرد یعنی این و تحقق این نگاه به ویژگی‌های دیگری نیز نیاز دارد. در این زمینه می‌توان به برخی از مهم‌ترین کتاب‌های دانشگاهی اشاره کرد که روش دارند. در حوزه‌ی مدارهای الکتریکی هایت، نیکلسون دارای روش است. در حوزه‌ی دینامیک و ترمودینامیک دارای روش است. در حوزه‌ی استاتیک، ماریام و جانسون دارای روش هستند، ولی کوپف دارای روش نیست. چه اتفاقی افتاده است که کتاب بعضی از افراد ۵۰ بار با تیراژ بسیار بالا در دنیا چاپ شده است؟ همه‌ی بحث‌هایی که امروز انجام شد، در گرو این نکته است که

اگر می‌خواهید آینده را در اختیار داشته باشید، لازم است به دانش‌آموزان یاد بدهید که در آینده چگونه حرکت کنند. یعنی رعایت تناسب بین روش و محتوا. ناشر باید دارای روشی از جنس تعلیمی و تربیتی باشد و این موضوع خیلی مهم است.

رسول‌زاده: طبیعت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای این است که محتوا را معلمان باید تولید کنند. گفته شده معلم قرار نیست عرضه کننده‌ی محتوا به دانش‌آموز باشد. نقش معلم باید عوض شود و به عنوان تسهیل‌گر حضور پیدا کند. مهم‌ترین نکته‌ای که مطرح شد، تحولی است که باید صورت بگیرد؛ این تحول که کتاب‌های ما باید یادگیرنده محور باشند. اما در عرصه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با ۱۵ هزار

سمت مهارت محوری حرکت کند. چه نوع مهارتی؟ مهارت تفکر مستقل و پرورش تفکر مستقل در یادگیرنده و تأکید روی قابلیت پرسشگری. کتاب‌های ما فراگیرندگان را پرسشگر بار نمی‌آورند؛ حافظ و مقلد تربیت می‌کند. پرسشگری مهارتی قابل اکتساب است. جایگاه آموزش‌های مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ما کجا قرار دارد؟ سؤال من این است: شاخص ما برای این که به سمت تربیت فراگیرنده‌ی مستقل مادام‌العمر برویم، چیست؟ یکی از چالش‌های ما در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تعریف شاخص‌های عملی و قابل سنجش برای فراگیرنده‌ی مادام‌العمر است.

جمع بندی

ظرف سال‌های پس از انقلاب اسلامی، بیش از ۶۰۰ جلد کتاب در ۵۰

معلم، کتاب به آن صورت که باید تولید نمی‌شود که خود این مسأله دلایل متعددی دارد. یکی از دلایل مذکور این است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای جنبه‌ی وارداتی دارند. در کشور ما فناوری تولید نمی‌شود و ما صرفاً مصرف‌کننده هستیم. در نتیجه اگر قرار باشد تحول ایجاد کنیم، باید جهت‌گیری خود را از کتاب محوری به معلم محوری تغییر دهیم و معلمان باید جهت‌گیری و رویکرد خود را از دادن دانش صرف، به تسهیل‌گیری تغییر دهند. در این صورت، معلم به عنوان تسهیل‌گر، کتاب‌هایی را که در این عرصه تولید می‌شوند به دانش‌آموز معرفی می‌کند. اگر محتوای کتاب‌ها هم یادگیرنده محور باشند، آن‌گاه متدلوژی موجود در کتاب‌ها می‌تواند کمک‌کننده باشد.

دهستانی: پیشنهاد من این است که کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید از کتاب محوری به



رشته در حوزه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ۲۰۰ رشته در حوزه‌ی آموزش‌های مهارتی تألیف شده‌اند. با این حال نیاز به کتاب‌های غیردرسی همچنان باقی است: هم از سوی کسانی که به کسب دانش بیش‌تری علاقه دارند و هم از سوی کسانی که میل دارند جلوتر از برنامه‌ی درسی حرکت کنند. اما تدوین و انتشار کتاب‌های غیردرسی در حوزه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای چندان آسان نیست و نویسندگان و ناشران این حوزه با مشکلاتی روبرو هستند:

- غالباً، کسانی که کار را بلدند، نویسنده نیستند و آن‌ها که توانایی نوشتن دارند، کارها را بلد نیستند.
- با علم دیروز نمی‌توان جوان امروز را برای فردا آماده کرد. به خاطر سرعت روزافزون فناوری و تولید محتوا در این زمینه، ناگزیریم از امروز برای ۲۰ سال آینده برنامه‌ریزی کنیم و به تدوین منابع آموزشی بر همین اساس پردازیم.
- نسبت به دوره‌های نظری، تعداد متقاضیان منابع فنی و حرفه‌ای کم است و در نتیجه، تولید منابع در این حوزه مقرون به صرفه نیست.
- آموزش‌های فنی و حرفه‌ای جنبه‌ی وارداتی دارند و فناوری در کشور ما تولید نمی‌شود. از این رو، تألیف کتاب‌های منطبق بر شرایط ویژه‌ی فناوری در کشور، کار آسانی نیست.

در برابر مشکلاتی که برشمردیم، این واقعیت امیدبخش هم وجود دارد که از یک سو، میزان درخواست برای توسعه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بسیار بالا و روبه‌افزایش است، و از سوی دیگر، در برنامه‌ی سوم توسعه، سهمی ۳۵ درصدی برای جذب دانش‌آموزان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در نظر گرفته شده است. در نتیجه، اشتغال به تولید منابع آموزشی در زمینه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای سودآور خواهد شد.

همچنین، این گفت‌وگو پیشنهادات زیر را به ارمغان آورد:

- کتاب‌های درسی و غیردرسی به صورت متعامل در کنار هم قرار گیرند و در صورت لزوم، جانشین یکدیگر شوند.
- نویسندگان تنها به ارائه‌ی محتوا به طور خالص و بدون جهت‌گیری بسنده نکنند، بلکه همانند کتاب‌های فنی دانشگاهی موفق در دنیا، از روش خاصی پیروی کنند تا مخاطبان از طریق آموختن آن روش، از عهده‌ی حل مسائلی که در کتاب نیامده‌اند نیز برآیند.
- جهت‌گیری حوزه‌ی فنی و حرفه‌ای را از کتاب محوری به معلم محوری تغییر دهیم تا معلم بتواند، ضمن ایفای نقش تسهیل‌گر در آموزش، کتاب‌های مناسبی را که در این عرصه تولید می‌شوند، به دانش‌آموزان معرفی کند.

آفرینندگی و خلاقیت به عنوان بالاترین سطح یادگیری، یکی از هدف‌های نهادهای تربیتی محسوب می‌شود.

گیج وبرلاینر



تحلیل محتوای پنج عنوان از کتاب‌های درسی دوره‌ی متوسطه در ارتباط با شرایط بهره‌گیری از روش‌های خلاق تدریس در فرایند یاددهی - یادگیری

محمدجعفر مهدیان - حسین پیریائی

اشاره

در این تحلیل، در واقع بر اساس کاربرد ۴۴ مؤلفه مانند: فکر کنید، تحقیق کنید، مقایسه کنید و... در متن کتاب‌های درسی متوسطه، در خصوص کاربرد روش‌های نوین تدریس در کتاب‌های مورد بررسی قضاوت شده است. کتاب‌های ادبیات فارسی، ریاضی و زیست‌شناسی از حدود ۴۵ درصد این مؤلفه‌ها استفاده کرده‌اند، در حالی که کاربرد این مؤلفه‌ها در کتاب‌های شیمی و دینی کم‌تر از ۳۰ درصد است. طبق نتیجه‌گیری محققان این پژوهش، محتوای کتاب‌های درسی زمینه‌ی مساعدی برای کمک به دبیران به منظور استفاده از روش‌های خلاق تدریس فراهم نمی‌آورد. خاطر نشان می‌سازد، مقاله‌ی حاضر تنها نتایج بخشی از پژوهش را گزارش می‌کند.

مقدمه

خالق متعال، همه چیز را، حتی استعدادهای بشری را، متنوع آفریده است. اگر بنا باشد آموزش و پرورش پویا و انسان سازی داشته باشیم، باید زمینه ای را فراهم کنیم که این تنوع استعدادهای انسانی، حفظ و شناخته شوند. علاوه بر این، اگر قرار است جامعه ی ما روی پای خود بایستد و از فناوری لحظه به لحظه در حال رشد روز بهره بگیرد، باید استعدادهای خلاق دانش آموزان را بشناسیم و مهارت های ذهنی آنان را برای کشف و ارائه ی راه حل برای مسائل آینده پیروانیم.

«آفرینندگی و خلاقیت به عنوان بالاترین سطح یادگیری، یکی از هدف های نهادهای تربیتی محسوب می شود» [گیج و برلاینر، ۱۹۸۴] و امروزه حل مسائل گوناگون، در گروی عملکرد تربیت شدگانی است که نظام تربیتی جامعه، سال ها برای بارآوری تفکر عمیق آن ها سرمایه گذاری کرده است. سده های ۲۰ و ۲۱، برپایه ی خلاقیت و نوآوری استوارند. اگر ایده ها و راهکارهای خلاق

نبودند، معلوم نبود که امروزه انسان کوره ی زمین باچه دشواری هایی سردر گریبان بود. حل بخش عظیمی از مشکلات زندگی،

بدون خلاقیت ناممکن است. در پرورش خلاقیت، الگوهای تدریس ابزار کار تلقی می شوند و هر اندازه که ما با روش های متفاوت آشنا باشیم، ابزارهای متعددی در اختیار خواهیم داشت که توسط آن ها می توانیم، محتوا و مواد دلخواه را با توجه به عامل زمان، مکان و شرایط، در اختیار دانش آموزان قرار دهیم.

○○○

بیان مسأله

نظامی به حد مطلوب نزدیک خواهد شد که بتواند اندیشه ورزانی را تربیت کند که: خوب فکر کنند، تفکر عمیق داشته باشند، با نگرش چند جانبه موضوعات را مورد بررسی و کنکاش قرار دهند و بالاخره ایده ها و مسائل و راه های نوین خلق کنند. در قاموس آموزش و پرورش، چنین افرادی تربیت شدگانی خلاق هستند که در محیط دارای امکان آفرینندگی و رشد و تعالی آموزش می بینند. فراهم ساختن چنین محیطی، از عهده ی معلمانی برمی آید که از آگاهی های مربوط به روان شناسی تدریس، روش ها و فنون تدریس و کیفیت



فرایندی ارتباط بر خوردار باشند.

در این راستا، پژوهشی مصوبه‌ی شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش لرستان، با عنوان «راه‌های افزایش علاقه‌مندی دبیران دبیرستان‌های استان لرستان به استفاده از روش تدریس خلاق، در فرایند یاددهی-یادگیری» در سال ۱۳۸۳ انجام گرفت. بخشی از این تحقیق، به بررسی محتوای کتاب‌های درسی ریاضیات، ادبیات فارسی، دینی، زیست‌شناسی و شیمی متوسطه از نظر استفاده از روش‌های تدریس خلاق با بهره‌گیری از ۴۴ مؤلفه اختصاص داشت. یافته‌های این بخش از پژوهش در ادامه ارائه شده‌اند.

نتایج حاصل از ارزیابی چارچوب محتوای کتاب

درسی دینی

نتایج مطالعه در رابطه با میزان حضور مؤلفه‌های ارزیابی روش‌های

خلاق آموزش و تدریس، در کتاب درسی دینی نشان داد که در مجموعه پایه‌های سه‌گانه‌ی دوره‌ی متوسطه، بیش‌ترین فراوانی مربوط به مؤلفه‌های: فکر کنید، تحقیق کنید، و مقایسه کنید

بوده است. ضمن آن‌که در مورد مؤلفه‌های تحلیل کنید، آزمایش کنید، تفسیر کنید، شعر بنویسید، طراحی کنید، تفکیک کنید، اثبات کنید، بحث کنید، نتیجه‌گیری کنید و اصلاح کنید، کم‌ترین فراوانی‌ها مشاهده شدند.

در میان پایه‌های متفاوت دوره‌ی متوسطه، بیش‌ترین موارد حضور مؤلفه‌های ارزیابی، به این ترتیب بوده است: پایه‌ی اول ۵۹ فراوانی، پایه‌ی دوم ۱۶ فراوانی، و پایه‌ی سوم ۳ فراوانی. اطلاعات حاصل حاکی از آن است که کاربرد مؤلفه‌های ملاک به منظور ارزیابی روش‌های خلاق تدریس در کتاب‌های دینی متوسطه، به طور قابل ملاحظه‌ای، با بالا رفتن پایه، کاهش داشته است؛ به طوری که در پایه‌ی اول ۱۸/۱۸ درصد، در پایه‌ی دوم ۲۰/۵۱ درصد و در پایه‌ی سوم ۳/۸۴ درصد از مؤلفه‌های ملاک استفاده شده است.



نتایج حاصل از ارزیابی چارچوب محتوای کتاب‌های ادبیات

نتایج مطالعه حکایت از آن دارد که بیش‌ترین فراوانی را مؤلفه‌های: خودسنجی کنید، مقایسه کنید، فکر کنید و تشبیه بیاورید داشته‌اند. ضمن آن‌که مؤلفه‌های: تخیل کنید، نقد کنید، داستان نیمه‌تمام را تمام کنید، اصلاح کنید، خلاصه کنید، بازآفرینی کنید، قضاوت کنید و نتیجه‌گیری کنید، کم‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

در میان پایه‌های متفاوت متوسطه، بیش‌ترین فراوانی‌ها به این ترتیب بوده است: پایه‌ی اول ۱۸۰ فراوانی، پایه‌ی دوم ۱۶۳ فراوانی، و پایه‌ی سوم ۱۴۹ فراوانی. در مجموع آمار کل نشان می‌دهد، از ۴۴ مورد مؤلفه‌ی شاخص، فقط ۲۰ مورد وجود داشته‌اند؛ یعنی ۴۴/۴۴ درصد. ضمناً بیش‌ترین فراوانی مربوط به «خودسنجی کنید» (با ۲۸۰ مورد و ۵۶/۹۱ درصد) بوده است.

نتایج حاصل از ارزیابی چارچوب محتوای کتاب‌های ریاضی

ارزیابی محتوای سه کتاب ریاضی پایه اول، ریاضی پایه دوم، و هندسه ۱ نشان داد، مؤلفه‌های اثبات کنید، تحلیل

کنید، ایضای نقش کنید، به ترتیب بیش‌ترین فراوانی، و مؤلفه‌های فکر کنید، راه‌حل‌های تازه و جدید ارائه دهید، پیشنهاد کنید، پیش‌بینی کنید، و خلاصه کنید کم‌ترین فراوانی را داشتند. ضمن آن‌که باید در نظر داشت، مؤلفه‌هایی همچون آزمایش کنید، تخیل کنید، و سؤالاتی طرح کنید، هیچ فراوانی به خود اختصاص ندادند. به علاوه، در کتاب‌های ریاضی دوره‌ی دبیرستان از میان مؤلفه‌های روش‌های خلاق تدریس فقط، ۲۰ مؤلفه از ۴۴ مؤلفه وجود داشت (یعنی ۴۴/۴۴ درصد کل شاخص‌های ملاک).

نتایج حاصل از ارزیابی چارچوب محتوای کتاب‌های زیست‌شناسی

در مجموع، مؤلفه‌های مقایسه کنید، آزمایش کنید و تحقیق کنید، بیش‌ترین فراوانی، و مؤلفه‌های تغییر دهید، نتیجه‌گیری کنید و راه‌حل‌های تازه و جدید ارائه دهید، کم‌ترین فراوانی را داشتند. ضمن آن‌که مؤلفه‌های بسیاری همچون خیال‌پردازی کنید، سؤالاتی طرح کنید، پیشنهاد دهید، هیچ فراوانی را به خود اختصاص ندادند.

در پایه‌های متفاوت، بیش‌ترین مؤلفه‌های ارزیابی به این ترتیب بوده‌اند: پایه‌ی اول ۶۸ فراوانی، پایه‌ی دوم ۶۵ فراوانی، پایه‌ی سوم ۹۲ فراوانی. در هر

پایه‌ی اول ۱۲۲ فراوانی، پایه‌ی دوم ۵۱ فراوانی، پایه‌ی سوم ۹۶ فراوانی. در مجموع، در کتاب‌های شیمی متوسطه، ۱۱ مورد از مؤلفه‌های روش‌های خلاق، یعنی ۲۴/۴۴ درصد مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

نتایج حاصل از ارزیابی مقایسه‌ای چارچوب محتوای کتاب‌های درسی دوره‌ی متوسطه

در مجموع، مؤلفه‌های: خودسنجی کنید، فکر کنید و اثبات کنید، بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. ضمن آن‌که کم‌ترین فراوانی مربوط به مؤلفه‌های تخیل کنید، شعر بنویسید، قضاوت کنید، تفکیک کنید و طرح کنید بوده است. همچنین بیش‌ترین مؤلفه‌های مرتبط با روش تدریس خلاق، به ترتیب در کتاب‌های ریاضی (با ۵۷۵ فراوانی)، ادبیات (با ۴۹۲ فراوانی)، شیمی (با ۲۶۹ فراوانی)، زیست‌شناسی (با ۲۲۵ فراوانی) و دینی (با ۷۸ فراوانی) وجود داشته‌اند. در جدول ۱، نتایج حاصل از تحلیل محتوای کتاب‌های درسی متوسطه براساس مؤلفه‌های روش تدریس خلاق آمده است.



سه کتاب زیست‌شناسی پایه‌ی اول، دوم، و سوم، ۱۹ مورد از مؤلفه‌های روش‌های خلاق موردنظر، یعنی ۴۴/۴۴ درصد مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

نتایج حاصل از ارزیابی چارچوب محتوای کتاب‌های شیمی

بیش‌ترین فراوانی‌ها به ترتیب در مؤلفه‌های خودسنجی کنید، فکر کنید، و آزمایش کنید، و کم‌ترین آن‌ها به ترتیب مؤلفه‌های حدس بزنید، نتیجه‌گیری کنید، تفسیر کنید و پیش‌بینی کنید مشاهده شد. در پایه‌های متفاوت، بیش‌ترین مؤلفه‌های ارزیابی به این ترتیب بوده‌اند:

جدول ۱. درصد استفاده از مؤلفه‌های روش تدریس خلاق در کتاب‌های درسی متوسطه

کتاب‌ها	ادبیات فارسی	شیمی	ریاضی	دینی	زیست‌شناسی	معدل
درصد استفاده از مؤلفه‌های روش تدریس خلاق	۴۴/۴۴	۲۴/۴۴	۴۴/۴۴	۲۸/۸۹	۴۴/۲۲	۳۶/۸۷

بحث و نتیجه گیری

چارچوب محتوای کتاب‌های مورد بررسی، استفاده از روش‌های خلاق تدریس را ممکن ساخته است، اما بررسی‌ها حاکی از آن هستند که این کتاب‌ها بر مبنای مؤلفه‌های خلاقیت در تدریس، از حد متوسط پائین‌ترند و فقط کمی بیش از یک سوم از مؤلفه‌های مربوط را در بر می‌گیرند. به عبارت دیگر، محتوای کتاب‌های درسی زمینه‌ی مساعدی برای کمک به دبیران به منظور استفاده از روش‌های خلاق تدریس فراهم نمی‌آورند. در نتیجه، فرض تحقیق مبنی بر ممکن بودن استفاده از روش‌های خلاق تدریس توسط معلمان در چارچوب کتاب‌های درسی رد می‌شود.

پیشنهادات

۱. نظر به این‌که اجرای هرگونه برنامه‌ی موفقیت‌آمیزی در فرایند آموزش و دستیابی به هدف‌های مورد نظر، منوط به هماهنگی سه عنصر اساسی معلم، دانش‌آموز و برنامه‌ی درسی از آموزش

پرورش است، باید هم سبک یادگیری مناسب برای هر دانش‌آموز متناسب با علاقه‌ها، نیازها و ویژگی‌های فردی او

در نظر گرفته شود، هم معلم از قابلیت‌های اطلاعاتی، فنی و تجربی لازم برخوردار باشد، و هم برنامه‌ی درسی شامل اطلاعات معتبر و روش‌شناسی دقیق باشد. در این صورت، تعامل این سه عنصر می‌تواند موفقیت برنامه را تضمین کند. از این رو پیشنهاد می‌شود، برنامه‌ی جامعی برای رشد و توسعه‌ی آموزش تعمیم یافته خلاقیت با لحاظ کردن عناصر سه گانه‌ی بالا و ایجاد هماهنگی و هم‌سویی این ارکان اساسی و کلیدی تهیه و تنظیم شود و به صورت اجرای محدود آزمایشی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. سپس، بعد از رفع اشکالات و کاستی‌های آن، به سطوح و ابعاد گوناگون تعمیم پیدا کند.

۲. تغییر محتوای کتاب‌های درسی با استفاده‌ی بیش‌تر از فعل‌های طلایی آموزش در فرایند یاددهی-یادگیری (آنچه در چک‌لیست این تحقیق به منظور بررسی تحلیل محتوای کتاب‌های درسی به کار برده شده است)، می‌تواند در به‌کارگیری روش‌های یادگیری روش‌های تدریس خلاق توسط معلمان مؤثر باشد.





خلاصه‌ای دقیق و روشن را به آغاز یا پایان هر فصل کتاب
مخصوص دانش‌آموزان بیفزاییم.



ترجمه: احمد غلامحسینی

متن نمودن خلاصه برای راهبردهایی

اشاره

اغلب ما در دوران تحصیل ناچار شده ایم، متن درس مفصلی را خلاصه کنیم، تا هم مطالب را بهتر بفهمیم و هم آن را راحت‌تر حفظ کنیم. معلمان همواره تأکید داشته‌اند و هنوز هم دارند که: «بفهمید، حفظ نکنید!» خیلی‌ها به این توصیه گوش نمی‌سپردند و چه بسا هنوز هم چنین است. اما هر کس که متنی را خلاصه کرده باشد، به روشنی دریافته است که «خلاصه کردن» به فهم مطلب کمک می‌کند و بخشی از نیاز به «حفظ کردن» را مرتفع می‌سازد. و مقاله‌ی حاضر می‌کوشد، هنر خلاصه کردن را برای دانش‌آموزان شرح دهد. در این میان، توصیه‌ای قابل تأمل برای تهیه‌کنندگان کتاب‌های درسی و آموزشی وجود دارد: خلاصه‌ای دقیق و روشن را به آغاز یا پایان هر فصل کتاب مخصوص دانش‌آموزان بیفزاییم.

زمانی که درباره‌ی «خلاصه» فکر می‌کنیم، معمولاً درباره‌ی نهایت موضوع می‌اندیشیم؛ آخرین فصل کتاب، آخر سال و غیره. در حقیقت، یک خلاصه برگردانی از تجسم کلی اطلاعات است. در متون درسی، خلاصه‌ها امکان مرور سریع موضوع را، بدون خواندن حجم زیادی از اطلاعات، امکان‌پذیر می‌سازند. خلاصه‌ها به خواننده کمک می‌کنند، عناصر اصلی اطلاعات را کسب کنند. دایرة‌المعارف‌ها، سالنامه‌ها و چکیده‌ها، مثال‌های خوبی از خلاصه‌ی یک مطلب یا موضوع هستند.

خواندن و نوشتن یک خلاصه‌ی مؤثر، یکی از راهبردهای موفق مطالعه محسوب می‌شود. با وجود این، خلاصه‌کردن برای بچه‌ها مشکل است و نیاز دارد که آن‌ها جزئیات را طبقه‌بندی کنند، اطلاعات

بی‌اهمیت را حذف کنند، برخی تعمیم‌ها را انجام دهند (از اطلاعات نتیجه‌گیری کنند) و به روشنی به کار ببرند، و اطلاعات را به نحو موجزی در اختیار دیگران بگذارند. با تمرین کافی، دانش‌آموزان می‌توانند از مهارت خلاصه‌کردن برای حمایت از خواندن و یادگیری خودشان استفاده کنند. دو راهبردی که در ادامه می‌آیند، به خوانندگان کمک می‌کنند، اطلاعات نوشته شده را بهتر درک کنند.

۱. خواندن خلاصه‌ی فصل کتاب درسی، از این نظر که تصویر جامعی از محتوای فصل را ارائه می‌دهد، برای دانش‌آموزان مفید است. این کار چارچوب مطمئنی را برای حمایت از یادگیری، زمانی که دانش‌آموز جزئیات را می‌خواند، فراهم می‌کند. به این ترتیب، هنگامی که دانش‌آموز جزئیات را می‌خواند، می‌تواند این جزئیات را به

تصویر کلی از موضوع که در خلاصه‌ی فصل خوانده است، منتقل کند.

۲. خلاصه‌کردن در حین خواندن می‌تواند به دانش‌آموزان در بازبینی فهم خود از اطلاعاتی که دارند، کمک کند. آن‌ها



می‌توانند، چند پاراگراف را بخوانند و سپس اطلاعاتی را که خوانده‌اند به زبان خودشان بیان کنند. همچنین می‌توانند، این خلاصه را به صورت شفاهی یا کتبی با یادگیرنده‌ی همیار خود در میان بگذارند.

یادگیرندگان زمانی که اطلاعات را به زبان خود بیان می‌کنند، متوجه می‌شوند که چه مطلبی را می‌دانند و چه مطالبی را نمی‌دانند. در این صورت آن‌ها قادرند، اطلاعاتی را که نتوانسته‌اند به خاطر بیاورند، دوباره بخوانند و این سبب تقویت یادگیری آن‌ها می‌شود.

خلاصه‌ها به خواننده کمک می‌کنند، عناصر اصلی اطلاعات را کسب کنند.

ایده‌ها، از جمله بندی‌های صریح، کلی و اختصاری استفاده کند.

۴. از همان راهبردهایی که نویسنده برای سازماندهی استفاده کرده است، استفاده کند. به این صورت که اگر نویسنده اطلاعات

اصلی را در ابتدا یا در انتهای نوشته آورده است، دانش آموز نیز از همان شیوه برای خلاصه کردن اطلاعات استفاده کند.

۵. به خاطر داشته باشد، یک خلاصه خوب، یک رشته اطلاعات نیست؛ خلاصه یک نمونه کوچک از متن اصلی است. دانش آموز نباید جزئیات را با حذف توالی

اطلاعات از بین ببرد.

۶. اطلاعات خلاصه را به نوشته‌ی اصلی مرتبط سازد.

پیرایش خلاصه، و تفکر دوباره و تجدیدنظر در آن، به دانش آموز در فهم عمیق تر نکات مهم درسی کمک می‌کند.

راهبردهایی برای والدین

۱. پس از آن که کودک مطلبی را خواند، فیلمی را دید یا... از او بخواهید، آن را با زبان خودش بازگو کند. یادگیرنده هنگام بازگویی نیازمند تفکر درباره‌ی همه‌ی اطلاعات و سازماندهی ذهنی و قراردادن آن‌ها در قالب جمله‌های خود است. این کار در مقایسه با دادن جواب ساده به یک سؤال یا چند کلمه، به تفکر بیش تری نیاز دارد.

راهبردهایی برای دانش آموزان

■ دانش آموز باید:

۱. مواد خواندنی را به منظور خلاصه کردن بخواند. او باید به ایده‌های اصلی و طرز سازماندهی آن‌ها توجه کند.

عنوان‌ها، زیرعنوان‌ها و جمله بندی‌های مقاله می‌توانند به دانش آموز در تشخیص ایده‌های اصلی مطلب و چگونگی سازماندهی آن‌ها کمک کند.

۲. ایده‌های خود را درباره‌ی مطالبی که خوانده است، با واژه‌های خود بیان کند. اطلاعات خوانده شده می‌تواند در قالب یک یا دو پاراگراف بازگو شود.

۳. برای توصیف گروه بندی یا طبقه بندی

افتاده است، درست کنند. بهتر است، بچه‌ها مقالات انتخابی از روزنامه‌ها، مجلات و عکس‌هایی را جمع‌آوری کنند که درباره‌ی حوادث هستند. مقالات و خلاصه‌ای از صفحات بریده‌ی روزنامه را در اختیار کودک بگذارید و به او اجازه دهید، اگر مایل است آن‌ها را صفحه‌بندی کند.

راهنمادهایی برای معلم

۱. خواندن خلاصه‌های تهیه شده توسط دیگران

● بعد از خواندن یک قطعه‌ی انتخابی توسط یکی از

دانش‌آموزان، به آن‌ها خلاصه‌ای بدهید. از چنین خلاصه‌ای برای شرح این که نویسنده‌ی آن چگونه بیانات خود را توصیف کرده است، استفاده کنید.

● با استفاده از طلق شفاف، چگونگی توصیف جزئیات در مقاله‌ی منتخب را به دانش‌آموزان نشان دهید.

● با یک قلم طلق شفاف، زیر جزئیات موارد انتخابی که در خلاصه‌ی کلی تأثیر دارند، خط بکشید.

● بیانات کلی را می‌توانید در حاشیه (روی طلق شفاف) بنویسید و با یک فلش، آن‌ها را به نکاتی که زیر آن‌ها خط کشیده‌اید، مرتبط سازید.

۲. به کودک خود اجازه دهید، به شما کمک کند. با استفاده از آلبوم عکس خانوادگی، بریده‌های روزنامه، مجموعه‌ی کارت و پستال مانند آن، از او بخواهید، رویدادهای خانوادگی، تعطیلات و حوادث را فهرست کند. و یا در یک جمله، خلاصه‌ای از مسافرت، فعالیت، تجربه و مانند آن را بیان کند.

۳. از مواد یادگیری متنوع استفاده کنید. با استفاده از برنامه‌های تلویزیون، تکه‌های کمیک، مقالات روزنامه و غیره، به بچه‌ها

فعالیت‌هایی برای خلاصه کردن بدهید تا پس از خلاصه کردن، آن‌ها را برای یکدیگر بخوانند و بازگو کنند.

۴. متن حاوی اطلاعات را برای کودکان بخوانید (یا داستان‌هایی را که خوانده‌اید، برای آن‌ها بگویید). گاه‌گاهی مکث کنید و از آن‌ها بخواهید، اطلاعات را به زبان خود بگویند. کودکان خردسال می‌توانند، خلاصه‌را زیر نوشته‌ی چاپی در محل تعیین شده، و بچه‌های بزرگ‌تر می‌توانند خلاصه‌ها را به‌طور رسمی و روی برگه‌ی جدا بنویسند.

۵. به کودکان ۹ تا ۱۲ ساله کمک کنید، با استفاده از بریده‌ی اخبار در روزنامه، یک پرونده از حوادث که طی سال اتفاق

یک خلاصه
خوب، یک
رشته اطلاعات
نیست؛ خلاصه
یک نمونه
کوچک از متن
اصلی است.

۲. بازگویی

● بعد از این که دانش‌آموزان چیزی را خواندند یا فیلمی را دیدند، از آن‌ها بخواهید مطلب یا موضوع فیلم را در قالب کلمات خود بازگو کنند.

● با طرح سؤالات متنوع، در بازگو کردن به آن‌ها کمک کنید. بازگویی نیازمند آن است که یادگیرنده درباره‌ی همه‌ی اطلاعات بیندیشد، آن‌ها را سازماندهی کند و در جملات خود از آن‌ها بهره بگیرد. این عمل در مقایسه با زمانی که به یک سؤال یا چند کلمه پاسخ داده می‌شود، به تفکر بیش‌تری نیاز دارد.

۳. مقایسه‌ی خلاصه‌ها

● از یک کتاب درسی یا کتاب دیگری که دارای خلاصه است، متنی را انتخاب کنید. از دانش‌آموزان بخواهید، متن انتخابی را بدون این که خلاصه را بخوانند، مطالعه کنند و به صورت گروهی برای متنی که خوانده‌اند، خلاصه‌ای بنویسند.

● با استفاده از طلق شفاف، متن خلاصه شده‌ی کلاسی را با خلاصه‌ی اصلی که توسط نویسنده تهیه شده است، مقایسه کنید.

● زیر نکات مشترک در خلاصه‌ی کلاسی با خلاصه‌ی اصلی را با یک رنگ خط بکشید و جاهایی را که خلاصه‌ها با هم متفاوت هستند، با رنگ دیگری مشخص کنید.

● از دانش‌آموزان بخواهید، درباره‌ی این که چرا اطلاعات انتخاب شده توسط کلاس

با خلاصه‌ی منتخب نویسنده متفاوت است و هم‌پوشی ندارند، با هم بحث کنند.

● از دانش‌آموزان بخواهید، راهبردها و فنونی را که نویسنده برای خلاصه کردن اطلاعات موردتوجه قرار داده است، تعیین کنند.

۴. کاربرد چکیده

● به دانش‌آموزان توضیح دهید، چکیده‌ی یک مطلب حاوی ایده‌های اصلی آن است. به آن‌ها کمک کنید تا درک کنند، برای تهیه‌ی چکیده نیازی به بازگو کردن همه‌ی اطلاعات نیست.

● جای خالی به اندازه‌ی ۲۰ کلمه را روی تخته‌ی سیاه یا طلق شفاف مشخص کنید و توضیح دهید، بعد از خواندن یک متن، آن‌ها باید سعی کنند، یک یا دو جمله بنویسند (بیش‌تر از ۲۰ کلمه نباشد). توضیح دهید، جمله‌ها باید نمایانگر چکیده‌ی مطالب باشند.

● دانش‌آموزان، بخش کوتاهی از یک متن را می‌خوانند (بیش‌تر از سه پاراگراف نباشد). سپس دانش‌آموزان درباره‌ی نوشته، به معلم گزارش می‌دهند.

● دانش‌آموزان، به هیچ وجه نباید بیش‌تر از ۲۰ کلمه بنویسند. باید در جمله‌های خود آن قدر تجدید نظر کنند که بتوانند مقاله را در ۲۰ جای خالی یا کم‌تر از آن توصیف کنند.

۵. پیگیری و اجرای مداوم خلاصه‌نویسی
این راهبرد مانند چکیده‌نویسی است،

راهبردهایی برای خانه و مدرسه

۱. بعد از خواندن یک متن یا دیدن یک فیلم توسط کودک، از او بخواهید آن را در قالب کلمات خودش بگوید. برای کمک به او، سؤالات ویژه‌ای از او پرسید. بازگویی نیازمند آن است که کودک درباره‌ی همه‌ی اطلاعات بیندیشد، آن‌ها را در ذهن خود سازماندهی کند، و سپس در قالب کلمات خودش بگوید. این امر مستلزم تفکر بیش‌تری در مقایسه با زمان پاسخ دادن به یک سؤال با چند کلمه است.

۲. به بچه‌ها در تنظیم آلبوم عکس‌های خانوادگی یا تصویرهای دلخواهشان کمک کنید. از تصویر، کارت پستال و مانند آن، برای مستند کردن تعطیلات خانواده استفاده کنید. بچه‌ها در چند جمله‌ی کلی به‌طور خلاصه، مسافرت، فعالیت، تجربه‌ها و هر مورد دیگر مربوط به خود را بیان می‌کنند.

۳. از مواد آموزشی متنوعی استفاده کنید. برنامه‌های تلویزیون، تصویرهای کمیک و خنده‌دار، مقالات روزنامه و غیره را برای خلاصه کردن در اختیار بچه‌ها قرار دهید. سپس از آن‌ها بخواهید، مواد انتخاب شده را برای همدیگر بخوانند و در قالب کلمات خودشان بازگو کنند.

۴. متن یا داستانی را برای بچه‌ها بخوانید. هنگام خواندن، گاهی مکث کنید و از بچه‌ها بخواهید، اطلاعات را به زبان خود بگویند، کودکان خردسال در فرم‌های تعیین شده مطالب خود را بهتر می‌نویسند.

اما دانش‌آموزان قطعه‌ی طولانی‌تری را می‌خوانند و برای نوشتن اطلاعاتی که با اهمیت‌تر هستند و آن‌ها را به خاطر می‌آورند، محدودیت زمانی دارند. پس از پایان وقت، دانش‌آموزان خلاصه‌های خود را با دیگران مطرح می‌کنند. در همان حال، معلم ایده‌های اساسی را روی تخته یادداشت می‌کند. این ایده‌ها سپس به‌طور گروهی جمع‌بندی می‌شوند و حاصل را معلم روی تخته می‌نویسد.

۶. مقایسه‌ی اطلاعات

در این راهبرد، یکی از دانش‌آموزان، اطلاعات ارائه شده توسط دانش‌آموزان را در یک ستون و اطلاعات تأیید شده برای خلاصه‌ی انتخابی را در ستون دیگری می‌نویسد.

۷. کمک به دانش‌آموزان در اصلاح

آموخته‌های خود

این کار به کمک ارزیابی سه خلاصه به شرح زیر انجام می‌شود:

● یک خلاصه خوب که همه‌ی نکات اصلی مورد نظر را در برمی‌گیرد و به خوبی پروارنده شده است.

● یک خلاصه که خوب است و بیش‌تر اطلاعات را شامل می‌شود، اما نوشته‌های آن تا اندازه‌ای تصنعی هستند.

● یک خلاصه که هم در محتوا و هم از نظر نوشتن دارای ضعف است.

این سه نوشته را به دانش‌آموزان بدهید و از آن‌ها بخواهید، سه خلاصه را رتبه‌بندی، و درباره‌ی آن‌ها بحث کنند.

دانش‌آموزان بزرگ‌تر می‌توانند اطلاعات خواسته شده را به صورت رسمی بنویسند.

۵. کمک به دانش‌آموزان ۹ تا ۱۲ ساله

برای تهیه‌ی دفتر خاطرات سالنامه‌ای

یک آلبوم تصویر از حوادث کلیدی که طی سال اتفاق افتاده‌اند، درست کنید. از بچه‌ها بخواهید، مقالات روزنامه‌ها، مجلات، عکس‌ها و غیره را جمع‌آوری کنند. اخبار و حوادث را به آن‌ها بگویند و از آن‌ها بخواهید، مقالات روزنامه‌ها و مجلات، و عکس‌ها را روی صفحه‌ی سالنامه بچسبانند. به آن‌ها اجازه دهید، در صورتی که مایل هستند، کار را صفحه‌آرایی کنند.

۶. خواندن خلاصه‌ها برای دیگران

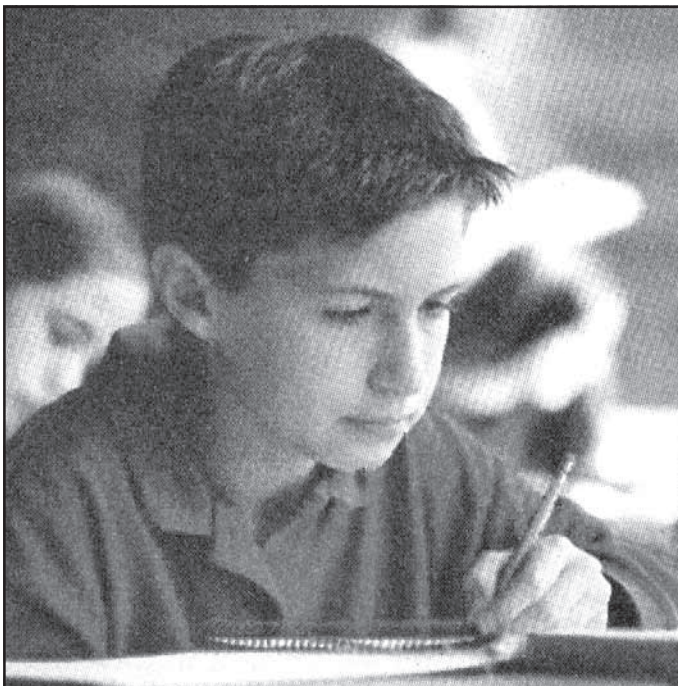
بعد از این که یک فصل انتخابی را خواندند، از آن‌ها بخواهید آنچه را که

انتخابی در خلاصه خط بکشید. اصول کلی را می‌توان در حاشیه نوشت و با یک پیکان به قسمت منتخب متن مرتبط کرد.

۷. تعیین سهم متن در خلاصه

از بچه‌ها بخواهید، متن انتخابی را بدون خلاصه بخوانند. سپس خلاصه‌ای از متن انتخابی برای یکدیگر بنویسند. در ادامه، خلاصه‌ی خود را با خلاصه‌ی واقعی متن انتخابی مقایسه کنند. شما زیر ایده‌هایی را که در هر دو خلاصه مشترک هستند، با یک رنگ، و زیر خلاصه‌هایی که در دو متن مشترک نیستند، با رنگ دیگری خط بکشید. از دانش‌آموزان بخواهید توضیح دهند، چرا ایده‌هایی که نویسنده در خلاصه به آن‌ها توجه کرده، مورد توجه آن‌ها قرار نگرفته است و در این باره بحث کنند. همچنین، به آن‌ها

خوانده‌اند، خلاصه کنند و خلاصه‌هایشان را برای یکدیگر بخوانند. استفاده از طلق‌هاش شفاف و مقایسه‌ی متن انتخابی و خلاصه می‌تواند به دانش‌آموزان در تشخیص این که نویسنده‌ی خلاصه چگونه اطلاعات اساسی را خلاصه کرده است، کمک کند. با ماژیک، زیر جزئیات



توصیه کنید، تکنیک‌ها و راهبردهایی را که نویسنده در خلاصه‌نویسی مورد توجه قرار داده است، در نظر بگیرید.

۸. چکیده‌نویسی

توضیح دهید که چکیده‌ی یک متن، بیان ایده‌های اصلی آن است. به کودکان در درک این که در چکیده‌نویسی یادآوری همه‌ی جزئیات موردنیاز نیست، کمک کنید. جدولی حاوی ۲۰ جای خالی کلمه در نظر بگیرید. به آن‌ها توضیح دهید، بعد از خواندن متن باید خلاصه آن را در حداکثر بیست کلمه (در یک جمله یا بیش‌تر) بنویسند. متن انتخابی برای خلاصه‌نویسی بیشتر از سه پاراگراف باشد. برای ضبط چکیده‌ی آنچه که خوانده‌اند، می‌توانند از والدین خود کمک بگیرند. به کودکان یادآوری کنید، به هیچ وجه چکیده نباید بیش‌تر از ۲۰ کلمه باشد؛ در غیر این صورت، کودک باید آن قدر جمله‌ی خود را اصلاح کند که نوشته‌های او در بیست جای خالی یا کم‌تر از آن جای بگیرد.

۹. پیگیری خلاصه‌نویسی

این راهبرد مانند چکیده‌نویسی است، اما برای به یادآوردن اطلاعات مهم، کودک متن طولانی‌تر و زمان کم‌تر در اختیار دارد (سه تا پنج ثانیه). زمانی که وقت به پایان رسید، کودک فهرست خود را با دیگران مبادله می‌کند و ایده‌های اصلی را یادداشت می‌کند. این ایده‌ها بعداً برای تولید یک خلاصه‌ی جمعی به کار می‌روند.

۱۰. مقایسه‌ی اطلاعات

در این راهبرد، یکی از دانش‌آموزان اطلاعات را در یک ستون، و ایده‌های اصلی مورد قبول را در ستون دیگری می‌نویسد تا امکان مقایسه‌ی آن‌ها و به دست آوردن تعمیم‌ها فراهم شود.

۱۱. کمک به دانش‌آموزان در اصلاح

آموخته‌های خود

به دانش‌آموزان در یادگیری تجدیدنظر و اصلاح آموخته‌های خود از طریق مقایسه‌ی این سه خلاصه کمک کنید: یک خلاصه‌ی خوب که همه‌ی نکات اصلی را که به تدریج بیان شده‌اند، شامل می‌شود، خلاصه‌ی مورد قبولی که شامل اطلاعات مورد نیاز است، اما اطلاعات آن دستکاری شده است، و خلاصه‌ی سوم که هم در محتوا و هم از نظر نوشتار دارای ضعف است. به کودکان اجازه دهید، درباره‌ی سه خلاصه با هم بحث و آن‌ها را مقایسه کنند. در خلاصه‌نویسی، کاربرست مؤثر خلاصه‌ها برای خوانندگان و نویسندگان جوان مهم است. راهبردهای متنوعی وجود دارند که می‌توانند، به کنترل فهم، صراحت بخشیدن به تفکر و تقویت یادگیری بچه‌ها کمک کنند.





مسئولیت بزرگ شما امروز، قلم‌هایی است که در دست شماست.
امام خمینی (ره) صحیفه‌ی نور، ج ۱۴، ص ۲۵۷



پژوهش یک تایافته چکیده

منظر ترکمان پری

اشاره

«پژوهش پیمایشی ارزیابی شش نشریه‌ی عمومی رشد از نگاه مخاطبان و کارشناسان آموزشی و مطبوعاتی» گزارشی است که توسط «شرکت مطالعات اجتماعی پیمایش امروز» در سال ۱۳۸۴، به سفارش «دفتر انتشارات کمک آموزشی» انجام گرفته است. هدف از اجرای پژوهش مذکور، ارزیابی علمی نشریات رشد از نظر مخاطبان و کارشناسان و ارائه رهنمودهایی برای بهبود کیفیت این نشریات بوده است. در این نوشتار که قسمتی از گزارش نهایی است، متناسب با هدف‌های نشریات مذکور، دیدگاه‌ها و آرای ۱۲۸۶ دانش‌آموز دوره‌ی تحصیلی راهنمایی، از ۹۵ مکان آموزشی، و نیز ۱۱۹۰ دانش‌آموز دوره‌ی آموزش متوسطه از ۷۹ مکان آموزشی مربوط به مناطق نوزده‌گانه‌ی آموزش و پرورش تهران و شهرستان‌های تابعه که به روش نمونه‌گیری مرحله‌ای انتخاب شده‌اند، در دو بخش جداگانه ارائه می‌شوند.

نتایج بررسی دیدگاه‌های دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی

● «مطالعه‌ی داستان ایرانی» شایع‌ترین مطالعه‌ی غیر درسی دانش‌آموزان است و میزان مطالعه‌ی آن به‌طور متوسط دو یا سه مرتبه در ماه است.

● مطالعه‌ی کتاب‌های مذهبی و تاریخی از رواج قابل قبولی بین دانش‌آموزان برخوردار نیست.

● اولویت اول دانش‌آموزان پسر در مطالعه‌ی غیردرسی، «روزنامه‌ها یا مجلات ورزشی» است. کتاب علمی و کتاب داستان خارجی اولویت دوم و سوم آنان است.

● اولویت اول دانش‌آموزان دختر در مطالعه‌ی غیردرسی، «کتاب داستان ایرانی» است. کتاب علمی و کتاب داستان خارجی اولویت دوم و سوم آنان است.

● متوسط اوقات فراغت دانش‌آموزان ۱۶ ساعت در هفته است (پسران ۱۹ ساعت و دختران ۱۵ ساعت در هفته).

● دانش‌آموزان به‌طور متوسط ۱۶ ساعت در هفته را به انجام تکالیفشان اختصاص می‌دهند (پسران ۱۵/۵ ساعت و دختران ۱۶/۶ ساعت در هفته).

● ۶۴/۷ درصد پاسخگویان به رایانه دسترسی دارند.

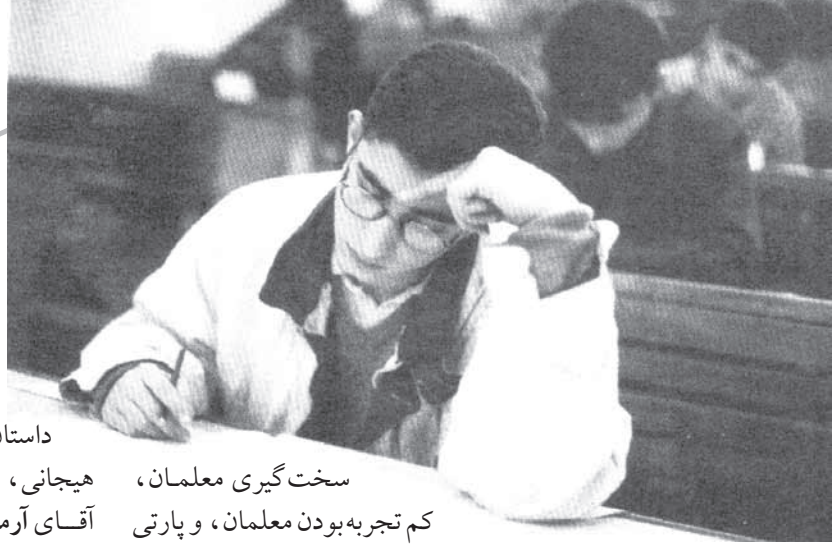
● دانش‌آموزان به مطالعه‌ی این عنوان‌ها علاقه‌ی بیشتری دارند: طنز و لطیفه، سرگرمی فکری مانند چیستان، عکس و کاریکاتور، جدول، گفت‌وگو با

ورزشکاران یا بازیگران، خبرهای کوتاه، و مطالب مربوط به اخلاق و رفتار پیامبران و امامان.

● مسائل آموزشی، «از نظر ۴۱/۵ درصد دانش‌آموزان، مهم‌ترین مشکل آنان است. دانش‌آموزان پس از این مشکل، و با فاصله‌ی نسبتاً زیادی، به «مسائل خانوادگی» به‌عنوان مهم‌ترین مشکل اشاره کرده‌اند.

● مسائل آموزشی به هشت عنوان فرعی شامل: مشکل درسی، رفتار نامناسب مدیر یا معلم یا معاون، برنامه‌ریزی درسی و موفقیت درسی، انتقاد از فضای مدرسه یا نظام آموزشی، امتحانات، کمبود امکانات و تجهیزات، رفتار نامناسب دانش‌آموزان، و سایر مسائل آموزشی تقسیم شده‌اند. همچنین، مسائل خانوادگی به چهار عنوان فرعی شامل: روابط با والدین، آسیب‌ها و فشارهای خانوادگی، مشکلات خانوادگی، و سایر مسائل خانوادگی تجزیه شده‌اند.

● مصداق‌های مهم‌ترین مشکلات دانش‌آموزان به تفکیک عنوان‌های کلی آن‌ها گزارش شده‌اند. برای مثال، مصداق‌های رفتار نامناسب مدیر یا معلم یا معاون، دومین عنوان فرعی مسائل آموزشی که پاسخگویان به آن اشاره کرده‌اند، عبارتند از: تدریس بد معلمان، تفاوت گذاشتن بین دانش‌آموزان، بی‌توجهی به دانش‌آموزان یا درک نکردن آنان، مدیریت بد مدرسه، تنبیه بدنی،



داستان ترسناک، داستان مذهبی، داستان عبرت آموز، داستان واقعی، داستان عاطفی و عاشقانه، داستان خارجی، داستان طنز، داستان انگلیسی، داستان هیجانی، داستان رستم و سهراب، داستان آقای آرمیتاژ، داستان هری پاتر، داستان های صمد بهرنگی، و داستان تاریخی را ذکر کرده اند.

نتایج بررسی دیدگاه های دانش آموزان دوره ی آموزش متوسطه

- «خواندن کتاب های داستان ایرانی و علمی»، شایع ترین مطالعه ی غیر درسی دانش آموزان است و میزان مطالعه ی آن به طور متوسط دو یا سه مرتبه در ماه است.
- مطالعه ی کتاب های مذهبی و تاریخی نیز رواج قابل توجهی بین دانش آموزان دارد.
- اولویت اول دانش آموزان پسر در مطالعه ی غیردرسی، «مطالب ورزشی و علمی»، و اولویت اول دانش آموزان دختر در مطالعه ی غیر درسی، «کتاب داستان ایرانی و خانوادگی» است.
- متوسط اوقات فراغت دانش آموزان ۱۶/۶ ساعت در هفته است.
- دانش آموزان به طور متوسط ۱۷ ساعت در هفته را به انجام تکالیفشان اختصاص می دهند.
- ۷۱/۴ درصد پاسخگویان به رایانه دسترسی دارند.

سخت گیری معلمان، کم تجربه بودن معلمان، و پارتنی بازی معلمان.

- مصداق های روابط با والدین، اولین عنوان فرعی مسائل خانوادگی که پاسخگویان به عنوان مهم ترین مشکل نوجوانان برشمرده اند، عبارتند از: تبعیض بین فرزندان، درک نکردن فرزندان، بی توجهی والدین، رفتار نامناسب والدین، حساسیت والدین نسبت به نمره، اهمیت ندادن والدین به سلیقه ی فرزندان، و دعوا با والدین بر سر درس ها.
- جذاب ترین مطالب از نظر پاسخگویان به ترتیب عبارتند از: سرگرمی، داستان، و مطالب علمی. در مجموع، ۴۸/۶ درصد پاسخگویان به این سه مقوله به عنوان جذاب ترین مطالب اشاره کرده اند.
- مخاطبان، تحت عنوان سرگرمی، به مقولاتی همچون: لطیفه، معما و بازی فکری، جدول، عکس، و طالع بینی اشاره کرده اند. عنوان های فرعی مطالب علمی نیز عبارتند از: اطلاعات علمی، نجوم، عجایب هستی، و اختراعات و اکتشافات.
- تحت عنوان کلی داستان، مخاطبان مصداق هایی از قبیل: داستان بلند یا دنباله دار، داستان های علمی و تخیلی،

● پاسخگویان، به ترتیب اولویت، به مطالعه‌ی این مطالب علاقه‌ی زیادی دارند: ۱. طنز و لطیفه، سرگرمی و چیستان، عکس و کاریکاتور، و جدول؛ ۲. مطالب مربوط به رایانه و اینترنت؛ ۳. گفت‌وگو با ورزشکاران یا هنرمندان یا بازیگران؛ ۴. مطالب مربوط به آسمان و ستارگان، و فضاپیمها.

● عنوان‌های کلی مهم‌ترین مشکلاتی که دانش‌آموزان تمایل دارند رشد جوان درباره‌ی آن‌ها مطلب بنویسد، عبارتند از: مسائل خانوادگی (روابط با والدین، آسیب‌ها و فشارهای خانوادگی، و مشکلات خانوادگی)، مسائل آموزشی، و مسائل مربوط به روابط اجتماعی و دوست‌یابی.

● مهم‌ترین مشکلات دانش‌آموزان در قالب هفده عنوان کلی طبقه‌بندی، و بعضی از عناوین کلی به عنوان‌های فرعی تجزیه شده‌اند. مواردی که در ادامه نام برده شده‌اند، در بین عنوان‌های فرعی دارای بیش‌ترین فراوانی (و بیش‌ترین اهمیت برای دانش‌آموزان) هستند: ۱. روابط با والدین؛ ۲. روابط دختر و پسر؛ ۳. نبود آزادی، و وجود تبعیض و نابرابری؛ ۴. برنامه‌ریزی درسی و موفقیت درسی.

● مصداق‌های مهم‌ترین مشکلات دانش‌آموزان به تفکیک عنوان‌های کلی و فرعی طبقه‌بندی شده‌اند که برای مثال، مصداق‌های روابط با والدین، اولین

عنوان فرعی مسائل خانوادگی که پاسخگویان به آن اشاره کرده‌اند، عبارتند از: تفاهم نداشتن یا اختلاف با والدین، انتظارات والدین، برخورد نامناسب والدین، تبعیض بین فرزندان، دخالت‌های والدین، بی‌توجهی والدین، درک نکردن فرزندان، الگوی روابط صحیح با والدین، بی‌اعتمادی والدین، ناسازگاری جوانان با والدین، و برقراری ارتباط صمیمی با والدین. همچنین، مصداق‌های روابط اجتماعی و دوست‌یابی، اولین عنوان فرعی روابط اجتماعی است که پاسخگویان به عنوان مهم‌ترین مشکل جوانان به آن اشاره کرده‌اند.

● جذاب‌ترین مطالب قابل طرح در رشد جوان از نظر پاسخگویان به ترتیب عبارتند از: سرگرمی، مطالب علمی، و داستان. ● مخاطبان، تحت عنوان سرگرمی، مقولاتی همچون: لطیفه، جدول، طالع‌بینی، معما، عکس و مسابقه را برشمرده‌اند. عنوان‌های فرعی مطالب علمی نیز عبارتند از: اطلاعات علمی، نجوم، عجایب هستی، و اختراعات و اکتشافات.

● تحت عنوان کلی داستان، مخاطبان از مصداق‌هایی مانند: داستان دنباله‌دار، داستان آموزنده، داستان مذهبی، داستان عشقی، داستان خانوادگی، داستان تاریخی، داستان خارجی، داستان پرهیجان و داستان کوتاه نام برده‌اند.

نظرخواهی از خوانندگان

فصل نامه سامان بخشی کتاب های آموزشی «رشد جوانه»

اطلاع و آگاهی از نقطه نظرهای خوانندگان عزیز، بی شک کیفیت فصل نامه را بهبود می بخشد. از این رو، خواهشمند است با پاسخ به این پرسش ها و ارسال این پرسشنامه به دفتر نشریه، دست اندرکاران انتشار آن را یاری فرمایید.

۱. چگونه از انتشار فصل نامه آگاه شده اید؟

۲. آیا به موقع به دست شما می رسد؟ بلی خیر

۳. شماره هایی از آن را که تاکنون دریافت داشته اید، مشخص کنید.

- شماره اول دوم سوم چهارم پنجم ششم
هفتم هشتم نهم دهم یازدهم دوازدهم
سیزدهم

۴. آیا از نحوه توزیع و دریافت فصل نامه راضی هستید؟

بلی نسبتاً خیر

۵. چند نمونه از آموزنده ترین مقاله هایی را که در «جوانه» خوانده اید، به ترتیب اولویت نام ببرید.

الف:

ب:

ج:

د:

ه:

۶. نظر خود را در مورد کیفیت فصل نامه با گذاشتن علامت در جدول مشخص کنید.

ملاحظات	خیلی ضعیف	ضعیف	متوسط	خوب	بسیار خوب	موارد
						کیفیت محتوا
						تقسیم بندی مطالب
						تنوع مطالب و تازگی موضوعات
						ویرایش
						طرح روی جلد
						عکس ها
						شیوه چاپ مطالب
						سایر موارد

۷. به نظر شما فصل نامه باید به چه موضوعاتی بیش تر بپردازد؟

الف:

ب:

ج:

د:

۸. در کدام زمینه های زیر علاقه مند به همکاری با فصل نامه هستید؟

- نگارش مقاله و یادداشت تبیین دیدگاه های حوزه تولید کتاب آموزشی
نقل تجربه نویسندگان آموزشی سایر با ذکر مورد ...

۹. آیا برای زمینه فعالیت شما مناسب است؟

- بلی نسبتاً خیر

لطفاً توضیح دهید:

۱۰. در حوزه کاری، علاوه بر شما چه کسانی «جوانه» را مطالعه می کنند؟

۱۱. نظرها، پیشنهادهای و انتقادهای خود را بنویسید.

۱۲. مشخصات خود را بنویسید.

- سن: جنس: مرد زن میزان تحصیلات:
زمینه فعالیت: سابقه فعالیت (به سال): منطقه یا سازمان:
استان: شهرستان:

۱۳. آیا مایلید نشریه به صورت اشتراک برای شما ارسال شود؟

- بلی خیر

۱۴. در صورت تمایل به همکاری، نام و نشانی و شماره تلفن خود را ذکر کنید.

نشانی دفتر نشریه:

تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ وزارت آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸
دفتر انتشارات کمک آموزشی، دبیرخانه سامان بخشی کتاب های آموزشی

فصل نامه رشد جوانه

نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۳۳۱ - ۱۵۸۷۵

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۳۰۶۰۷۱

آدرس اینترنتی: www.samanketab.com

پست الکترونیکی: [Email:info@samanketab.com](mailto:info@samanketab.com)



تازه‌های کتابنامه رشد



«مجموعه‌ای از فهرست توصیفی کتاب‌های آموزشی مناسب و مرتبط با محتوای برنامه‌ی درسی» دوره‌های آموزشی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه منتشر شد.

علاقه‌مندان می‌توانند این مجموعه را از دایرخانه سامانبخشی کتاب‌های آموزشی تهیه نمایند.





Organizing the Supplementary Textbooks and The Educational Aids, The Ministry of Education

“**Javaneh**” is an educational, analytical and research magazine which is published quarterly. It aims at giving information, disseminating research findings and interchanging ideas between scholars and publishers regarding supplementary textbooks or educational aids development process.

Considering objectives of the ministry of education, publishers try to improve their knowledge and job's experience continually. Through this magazine, they also try to promote by using their existing potentials.